فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیستم. بهار ۱۳۹۷، صص۱۳۲-۹۹ Vol 2. No 20. 2018, p 99-132
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

مفهوم عیب در مسئولیت مدنی

علی نوری[1]. داود بزرگمهر[2]
۱. گروه حقوق، واحد بروجن، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجن، ایران
۲. گروه حقوق، واحد بروجن، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجن، ایران

چکیده
با توجه به گسترش و پیچیدگی دعاوی مسئولیت ناشی از عیوب کالا های تولیدی، ارائه تعریف جامعی از مفهوم عیب در حقوق مدنی ایران، در جهت رفع ابهامات، بعنوان یک خلاء قانونی ضروری بنظر می رسد. لذا شناخت و رویکردی تحلیلی از این واژه و تبیین آن، به سیستم قضایی در تشخیص و جبران خسارات ناشی از عیوب کالاها کمک می نماید. آنچه در این مقاله مورد توجه قرار گرفته، بر خلاف تحقیقات صورت گرفته در حیطه مسئولیت مدنی، بررسی مفهومی عیب در مسئولیت‌های خارج از قرار داد (ضمان قهری) و تمایزات آن با مسئولیتهای قرار دادی می باشد. (ضمان قهری) ناشی از عیوب دارای نکات و ویژگی های متفاوتی خصوصا از حیث اثبات و نحوه جبران خسارت می باشد که آن را از مسئولیتهای قرار دادی ناشی از وجود عیب متمایز می‌سازد، بر همین اساس، با استفاده از مبانی نظری و فقهی، همچنین دستورالعمل های تولید- ایمنی کالا (اتحادیه اروپا) ۱۹۸۵ - ۱۹۹۴، توصیفات کشورهای اروپایی و امریکایی، قوانین خاص تدوین شده از جمله مسئولیت تولید کنندگان کالا، قانون حمایت از مصرف کنندگان، این واژه را به لحاظ مفهومی و کاربردی در حقوق تبیین نموده؛ امید است سیستم قانونگذاری ضمن بهره گیری از الگوهای توصیفی کشورهای غربی در کنار قواعد فقهی و عرفی داخلی از مفهوم عیب با گنجاندن تعریف جامع از این مفهوم، بصورت یک ماده مستقل در حقوق مدنی اقدام نماید.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت مدنی، عیب، خسارت، نقص، تسبیب

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

۱. مقدمه

برخورداری از کالا و خدمات سالم، با کیفیت مناسب و عاری از عیوب و خطرات، از ابتدایی ترین حقوق مصرف کننده است. مصرف کننده در دنیای پیچیده تولید، در بسیاری موارد از ترکیبات، کالا را می‌شناسد و نه بر موارد زیان آن وقوف کامل دارد. چه بسا در روند تولید، کالاهایی ساخته شود که معیوب باشد و مصرف کننده با استفاده از آن دچار زیان و خسارت شود (صالحی و ابراهیمی، ۱۳۹۱) لذاچگونگی تشخیص عیب و مسئولیت ناشی از آن، خصوصا مواردی که خارج از رابطه قراردادی طرفین، منجر به ایجاد خسارت می گردد نیازمند بررسی و شناخت عمیق اصطلاحاتی همچون عیب می باشد، همچنین نبود تعریف جامع و مشخصی از این مفهوم در قانون مادر (قانون مدنی)، در تشخیص و تعیین میزان زیان ناشی از کالای معیوب، ابهاماتی ایجاد می‌نماید. بطور کلی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و فروشندگان کالاهای معیوب تحت دو عنوان مسئولیت مدنی قرار دادی و مسئولیت مدنی قانونی (غیر قرار دادی)، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در این مقاله بر خلاف پژوهش ها و مطالعات پیشین صورت گرفته که عمدتا بر روی قواعد عمومی مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا و نحوه جبران خسارات تمرکز داشته، عیب را به لحاظ مفهومی از منظر دکترین و قواعد فقهی، حقوقی داخلی با بهره گیری از مبانی نظری، توصیفات کشورهای غربی و مجامع بین المللی مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین در تحلیل و مقایسه ماهیتی این مفهوم، عوامل و شرایطی که موجب از بین رفتن و صف سلامت و عدم انتفاع از کالای تولیدی می گردد در مسئولیتهای قرار دادی و خارج از قرار داد را مورد مطالعه قرار می گیرد. مسئولیت نوع اول که بر اصل حاکمیت اراده، بین طرفین قرار داد است، اثر مستقیم تعهدات قرار دادی فی مابین می باشد؛ در حالی که مسئولیت نوع دوم ناشی از الزامات قانونی، نظم عمومی و قواعد انتظامی است (ابراهیمی، ۱۳۸۲).

در مسئولیت مدنی (ضمان قهری) ناشی از عیوب، نبود تعریف جامع و مشخصی از عیب در قوانین موضوعه داخلی و نحوه اثبات و جبران خسارات آن بعنوان یک خلاء قانونی، مورد توجه حقوقدانان قرار دارد؛ چرا که بسیاری ضرر و زیان های ناشی از عیب کالا، خارج از رابطه قرار دادی طرفین بوجود می‌آیند. خصوصا در شرایط امروزی به دلیل گستردگی و پیچیدگی هایی که در مراودات اجتماعی و روابط اشخاص حقوق خصوصی شاهد آن هستیم عملا اثبات و جبران اینگونه خسارات را سخت و غیر ممکن نموده است. علی هذا، شناخت دقیق و بررسی مفاهیمی همچون عیب در نظام حقوقی ایران و تبیین مسئولیت مدنی ناشی از آن ضروری بنظر می رسد.

نکته قابل توجه در این تحقیق، آنست که اساسا در مسئولیت مدنی چه کالایی را باید معیوب نامید؟ احراز و تشخیص عیوبی که منجر به ایجاد خسارت می شوند تنها بوسیله قانون عملا غیر ممکن بوده و مشکلاتی را بهمراه داشته باشد؛ بنظر می رسد عرف به عنوان یکی از منابع مسئولیت مدنی می‌تواند بعنوان ضابطه ای برای احراز عیوب منجر به مسئولیت مناسب باشد. آیا واگذاری توصیفی و تشخیص عیب به عرف، به تنهایی ابهامت بوجود آمده در این زمینه را رفع خواهد کرد؟ عیب به لحاظ مفهومی با تلف و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

نقص چه رابطه ای دارد؟ عیب در مسئولیت مدنی دارای ازچه ماهیتی برخوردار است؟ معیار تشخیص و احراز عیوب منجر به مسئولیت مدنی در حقوق ایران کدام است؟ نوعی یا شخصی؟ به لحاظ مسئولیت ناشی از عیب کالا، چه تفاوتی در حالت قرادادی و خارج از قرارداد وجود دارد؟ کالایی که تولید کننده نهایت دقت و تلاش خود را با رعایت نظامات کیفی نموده باشد ولی بنا به شرایط زمانی و مکانی یا دانش فنی زمان تولید، کماکان آن محصول دارای نواقصی بوده، ولو منافع آن بیش از زیانش باشد، باز هم کالای معیوب محسوب شده و تولید کننده مسئول است؟ مسئولیت مدنی تولید و عرضه چنین کالاهایی با چه شخصی می باشد؟ تولید کننده ای که روش مصرف محصول را توضیح نداده باشد چه؟ عدم ارایه الگوی مصرف کالا بمنزله عیب کالا محسوب می‌گردد؟ مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا بر عهده چه اشخاصی می تواند قرار میگیرد؟ ارائه توصیفی دقیق و کامل از عیب می تواند ما در پاسخگویی به این سوالات یاری دهد. در چنین مواردی می‌بایست حقوقدانان با مطالعه مبانی نظری و قواعد فقهی، حقوقی پاسخگوی ابهامات این چنینی باشند. این که چگونه می توان با استفاده از توسعه مبانی نظری موجود به رفع چنین ابهاماتی بهتر کمک نمود و خلاء های قانونی در این زمینه را رفع کرد، نیاز به مطالعه و بررسی مفهوم عیب و ارتباط آن با نظریات پذیرفته شده در این زمینه دارد. بنظر می رسد تبیین مفاهیمی همچون عیب که در این پژوهش، مفهوم آن در معنای خاص مسئولیت مدنی مد نظر می باشد با بهر ه گرفتن همزمان از مبانی فقهی و عرفی، همچنین دستور العملهای موجود در حال اجرا در ممالک پیشرفته می تواند بعنوان الگویی مناسب، در ارایه تعریفی دقیق و مناسب از این واژه کاربردی در نظام حقوقی، بویژه مسئولیت مدنی باشد.

۲-کلیات مفاهیم

به لحاظ مفهومی فقها و حقوقدانان از عیب، تعاریف متفاوت و پراکند ه ای ارائه داده اند که به بیان بخشی از آنها می پردازیم.

۲-۱مفهوم عیب

درباره مفهوم عیب گفت‌وگو بسیار شده است. قانون مدنی تعریفی از عیب ارائه ننموده و به نظر عرف گذارده، چنانکه در ماده ۴۲۶ قانون مدنی می گوید: «تشخیص عیب بر حسب عرف و عادت می‌شود و بنابراین ممکن است بر حسب ازمنه و امکنه مختلف شود» زیرا عرف در محلی ممکن است امری را عیب بداند و عرف محل دیگر آن را عیب نشاسد و یا در زمانی عیب بشمارد و در زمان دیگر به آن اثر ندهند (امامی، ۱۳۹۳، ۱). عیب در کالا:شامل هر نوع عیب در طراحی یا ساخت کالاست، خواه به جهت استفاده از مواد خام نامرغوب یا عدم دقت و عدم دانش و تخصص کافی در فرآیند تولید و عرضه کالا- که موجب کاهش ارزش اقتصادی یا عدم امکان انتفاع متعارف از آن و یا ورود ضرر و زیان به مصرف کننده گردد. بنابراین تولید کننده بایستی به نحوی کالا را طراحی و تولید کند که عرفا معیوب نباشد، گو آنکه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

این عیب در فرآیند تولید، به یک کالا در میان حجم انبوهی از آن تعلق گرفته باشد. عیب همچنین شامل عدم راهنمایی کامل در خصوص نحوه استفاده صحیح از کالا، مشکلات و عوارض ناشی از عدم استفاده صحیح از کالا، مشکلات و عوارض ناشی از عدم استفاده صحیح از آن، و هر عاملی که سلامت و تندرستی جان یا روان مصرف کننده و اشخاص دیگر را تهدید کند نیز می‌شود. مسئولیت تولید کننده یا فروشنده نسبت به مصرف کننده در برابر عیب مخفی یا پنهان کالایی که به طور متعارف قابل مشاهده و یا بازرسی نیست پر واضح است، ولی در مورد عیب آشکار اگر خریدار با علم به عیب موجود، کالای معیوب را ابتیاع کرده باشد ممکن است گفته شود از باب قاعده اقدام، گویی به عیب آن راضی بوده در نتیجه نمی تواند تولید کننده یا فروشنده را تحت تعقیب قانونی قرار دهد (ابراهیمی، ۱۳۸۲).

۲-۲عیب در لسان فقها وحقوقدانان

مشهور فقها معتقد هستند که «هر فزونی و کاستی از اصل خلقت عیب است» (محقق حلی، ۱۴۰۹) به گفته برخی دیگر از فقیهان «در محصولات ساخت بشر، خارج شدن از مجرای طبیعی با فزونی یا کاستی عیب است» (فخر المحققین، ۱۳۸۷) گروهی دیگر نقص در مرتبه متوسط را عیب نامیده‌اند. ناصر کاتوزیان با توجه به جمع این چند نظر معتقد است: «عیب، نقصی است که از ارزش کالا یا انتفاع متعارف آن بکاهد» (نوری، ۱۳۹۶). در تعریف حسن امامی عیب عبارت است از «زیادتی یا نقصان جزء یا صفت شیئی است نسبت به نوع خود» (امامی، ۱۳۹۳: ۱). بر مبنای نظر لنگرودی «کمی و کاست یا زیادی و فزونی که برخلاف عادت و متعارف در چیزی یا حیوانی عیب است» بر مبنای ماده ۴۲۶ قانون مدنی تشخیص عیب بر حسب عرف و عادت می‌شود و بنابراین ممکن است بر حسب ازمنه و امکنه (زمان‌ها و مکان‌ها) مختلف شود .مهدی شهیدی درکتاب عقود معین عیب را اینگونه تعریف نموده«عیب عبارت است از وضعیتی، در مورد معامله، که بر خلاف و ضعیت عادی و در حال سلامت آن می باشد و به موجب ماده ۴۲۶ قانون مدنی تشخیص عیب، بر حسب زمان و مکان، به وسیله عرف، انجام می‌شود (شهیدی، ۱۳۸۹). عیب (مدنی- فقه): زیاده یا نقیصه ای که در مال باشد بطوریکه غالبا مصادیق آن مال آن نقیصه یا زیاده را دارا نباشند خواه مال مذبور در طبیعت (بصورت طبیعی) وجود پیدا کند (مانند گوسفند و چهار پایان) وخواه از مصنوعات باشد مانند یخچال و اتومبیل و غیره (ماده ۴۲۲ ق. م). در حدیثی آمده:«کلما زاد نقص عن خلقته الاصلیه فهو عیب» «یعنی کاهش و افزایش از میزان خلقت اصلی، عیب است». عیب حادث (مدنی- فقه): الف- عیبی است که پس از قبض مبیع و گذشتن موعد خیار مجلس و شرط و حیوان در مبیع حادث شود. این عیب سبب سقوط خیار عیب میشود(قول مشهور فقها). حکم بالا نسبت به ثمن شخصی نیز جاری است. ب- عیب حادث عیبی است که پس از بیع و قبل از قبض در مبیع حادث شود (ماده ۴۲۵ ق-م) این عیب در حکم عیب سابق است. عیب سابق (مدنی -فقه) عیبی که قبل از بیع یا مقارن عقد بیع در مبیع بوده ولی مشتری از آن آگهی نداشته است این عیب منشاء حق خیار است (ماده ۴۲۵ق-م)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

از قواعد معروف مربوط به این مورد است:« العیب الحادث بعد القبض و خیار الحیوان و الشرط و المجلس یمنع الرد با لعیب السابق»، یعنی عیبی که پس از قبض و خیار حیوان و شرط و مجلس حادث شود مانع فسخ عقد با استناد عیب سابق میشود. عیب ظاهر (مدنی) عیبی که مشتری (یا عاقد) در حین عقد عالم به آن بوده باشد خواه مستور بوده با شد خواه نه (ماده ۴۲۴ قانون مدنی)(جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰). عیب مخفی (مدنی) عیبی که مشتری (یا عاقد) در حین عقد عالم به آن نباشد، خواه واقعا پنهان باشد با اینکه ظاهر بوده اما عاقد متوجه آن نباشد (ماده ۴۲۴ قانون مدنی) (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰). فقها و حقودانان تعریفهایی از عیب ارائه کرده اند. در فقه، عیب با یک فرمول تقریبا مشابه – که از روایت نبوی برگرفته شده – این چنین تعریف شده است: «کلما کان فی اصل الخلقه فزاد أو نقص فهو عیب» (نوری، ۱۳۹۶). شیخ انصاری در تعریف عیب می گوید«اما العیب فالاهر من اللغه و العرف انه النقص عن مرتبه الصحه المتوسطه بینه و بین الکمال، فلصحه ما یقتضیه اصل الماهیه المشترکه بین افراد الشیء لو خلی و طبعه» یعنی ظاهر لغت و عرف آن است که عیب فقدان صحت است که واسطه ای بین عیب و کمال می باشد. صحت چیزی است که ماهیت مشترک بین افراد شیء خود به خود آن را تقاضا کند(مکاسب، ج۲، ص۲۶۵؛و نیز رجوع کنید به حاشیه تبریزی بر مکاسب، ص ۵۵۳). برخی از استادان حقوق در تعریف عیب گفته اند:« عیب امری است که از بهای کالا یا انتفاع از آن بکاهد. بنابراین تعریف، برای اینکه چیزی عیب به شمار آید یکی از دو ضابطه لازم است: کاستن از بهای کالا یا کم کردن از انتفاع مطلوب آن (صفایی، ۱۳۹۲).

در کتاب تحریر الوسیله امام خمینی ره مقصود از عیب عبارتست از:«بالعیب کل مازاد او نقص عن المجری الطبیعی و الخلقه الاصلیه کالعمی و العرج غیر هما»«عیب هر چیزی است که زیادتر و یا کمتر از جریان طبیعی و خلقت اصلی باشد مانند کوری و لنگی و غیر آنها. »(مرادی، ۱۳۹۲:۱). به نظر دکتر سید حسین صفایی ضابطه دقیقی برای تشخیص عیب و جود ندارد و برای تشخیص آن، چنانکه ماده ۴۲۶ ق. م مقرر داشته است، باید به عرف رجوع کرد. همین تعابیر با تفاوت جزئی در کلام سایر فقها نیز دیده می‌شود ؛برخی داوری عرف را برای تشخیص این امر ملاک دانسته (سبزواری، ۱۴۳۰). و عده ای مثل شیخ انصاری با مداقه بیشتر تشخیص همه مصادیق عیب را در قیاس با خلقت اصلی قابل بررسی و احراز دانسته و در نهایت برای تشخیص آن وضعیت متوسط نوعی مربوط به آن جنس را ملاک دانسته است و در این رابطه به ضابطه عرفی متوسل شده اند که اگر عرف جنسی را از حد متوسط نوع آن پایین تر تلقی کرد؛ آن جنس معیوب و اگر از حد متوسط بالاتر بود، آن جنس کامل است. لذا اگر گوسفندی در اثر رشد زیاد در حد یک گوساله بزرگ شود هر چند زاید بر خلقت اصلی چیزی دارد ولی چون عرف این چاقی زیاده بر حد را برای گوسفند صفت کمال می پندارد عیب گوسفند محسوب نمی شود. وی در تکمیل می گوید:اگر بین خلقت اصلی و حال اغلب افراد – که با تشخیص عذف ممکن است- تعارضی پیش آمد، دومی مقدم است یعنی ملاک عرف برای تشخیص حالت نوعیه متوسطه، ملاک قرار می گیرد نه خلقت اصلی، (نوری، ۱۳۹۶). البته برای تشخیص این حالت نوعیه عذرفیه برخی فقها عیب موجب نقصان مالی به بیع را ملاک

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

شمرده اند. غالب موارد تعریف فقها از عیب درتعریف حقوق دانان سنتی نیز دیده می شود. مثلا عبده عیب را خروج شیء از مجرا و خلقت طبیعی دانسته (نوری، ۱۳۹۶). اما برخی حقوق دانان متاخر با طرح ایراداتی به تعریف غالب فقهاء خواسته اند تعریف جدید منطبق بر کالاهای جدید دست ساز بشر ارائه داده، لذا در تعریف عیب علاوه بر لزوم چهره نوعی داشتن، انگیزه ها و هدف‌های ویژه دو طرف را دخیل دانسته اند و گاه تحت تاثیر حقوق غرب، انتفاع متعارف گاه نقصان در مالیت را در تعریف گنجانده اند (نوری، ۱۳۹۶). در نهایت به دلیل عدم پوشش تعریف برای همه مصادیق عیب، نقصان در اوصاف مورد معامله را عیب تلقی کرده اند. اما قانون مدنی در ماده ۴۲۶ این قانون تشخیص عیب را به عهده عرف و عادت نهاده که ممکن است بر حسب ازمنه و امکنه، مختلف شود (نوری، ۱۳۹۶). در مورد مفهوم عرفی عیب ماده ۴۲۶ و در مورد محل وقوع عقد (ماده ۲۸۰ و ۹۶۸ قانون مدنی) نقص در ارزش کالا یا انتفاع متعارف آن نشانه وجود عیب است و عرف محل انعقاد عقد، داور تمییز دهنده آن است. وصف سلامت و بی عیبی کالا چهره نوعی دارد و وابسته به انگیزه و هد فهای خاص دو طرف نیست لذا لزوم وجود وصف سلامت نیاز به شرط ضمن عقد ندارد و لازمه هر عقد بدون قید است (مقتضای اطلاق عقد)(نوری، ۱۳۹۶).

۲-۳ شرایط و ماهیت عیب

برمبنای مادۀ ۴۲۳ ق. م: «خیار عیب وقتی برای مشتری ثابت می شود که عیب مخفی و موجود در حین عقد باشد.» بنابراین قانونگذار پنهان بودن عیب و موجود بودن آن را در حین عقد دو شرط عیب مؤثر قرار داده است:شرط یکم- مخفی بودن عیب: مطابق ماده ۴۲۴ ق. م، منظور از عیب مخفی، این نیست که به نحوی پوشیده و از نظر مستور شده باشد، بلکه منظور این است که صرفا خریدار بر آن اطلاع پیدا نکند، اعم از این که آن عیب واقعا پوشیده بوده و یا آنکه پوشیده نبوده ولی خریدار بر آن آگاهی نیافته است. (شهیدی، ۱۳۸۹)مادۀ ۴۲۴ ق. م. دربارۀ شرط نخست مقرر می دارد:« عیب وقتی مخفی محسوب است که مشتری در زمان بیع عالم به آن نبوده است اعم از این که این عدم علم ناشی از آن باشد که عیب واقعاً مستور بوده است یا این که ظاهر بوده ولی مشتری ملتفت آن نشده است. »هرگاه درباره علم و جهل و مشتری به عیب اختلاف شود، اصل عدم علم است مگر این که خلاف آن ثابت شود چنان که اگر مشتری متخصص (در تعمیر مبیع) و حرفه ای باشد، ظاهر این است که از عیب آگاه است و مجالی برای استناد به اصل مذکور باقی نمی ماند. علم و جهل و فروشنده در تحقیق خیار عیب اثری ندارد ولی ممکن است سکوت فروشندۀ آگاه از عیب تدلیس محسوب شود. شرط دوم- موجود بودن عیب در حین عقد:گفته شد که، وجود عیب به هنگام تراضی و تشکیل قرار داد از شریط عیب مؤثر در ایجاد خیار عیب است، با وجود این اولاً- به موجب (مادۀ ۴۲۹ق. م.) نیز در حکم عیب سابق است و مسؤولیت آن با فروشنده است (نوری، ۱۳۹۶).

موارد عنوان شده از شرایط عیب در مسئولیت قراردادی بوده اما در در مسئولیت مدنی علم و جهل، مخفی بودن عیب، تاثیری در اصل مسئولیت مدنی ناشی از کالای معیوب ندارد چرا که مسئولیت مدنی که به

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

لحاظ ماهیتی در زمره وقایع حقوقی قرار می گیرد، اثر حقوقی بوجود آمده (خسارت)، ناشی از قصد و اراده طرفین نیست، اما به محض ایجاد خسارت زیان زننده مسئول است ولی با اثبات اینکه خسارت وارده ناشی از عیب ذاتی کالا بوده ضمان او منتفی ولی عامل فعل زیان بار یعنی تولید کننده کالای معیوب در غالب تسبیب مواد ۳۳۲و۳۳۱ قانون مدنی و همچنین تقصیر براساس ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مسئول جبران خسارت می شود. البته شرایط این عیب در ماده یک مسئولیت مدنی، تولید بدون مجوز قانونی (عدم رعایت نظامات تولید آن کالا)، عیب عمدی، عیب ناشی از بی احتیاطی و بی مبالاتی می‌باشد.

در مورد ماهیت عیب در تعریفاتی که فقها از آن ارائه داده اند به اصطلاحاتی همچون «اصل خلقت » و یا «مجرای طبیعی» برخورد می‌کنیم، که تشخیص در این زمینه را کمی مبهم می‌نمایند. در عوض در ماده ۱۶۴۱ قانون مدنی فرانسه بیان می‌دارد: «مصرف و فایده کالا معیار سلامت آن است و هر چه از فایده مطلوب بکاهد عیب». هر کالا فایده و مصرفی دارد که به منظور استفاده از آن مورد معامله قرار می‌گیرد. نقصی که آن فایده مطلوب را از بین ببرد یا از آن چندان بکاهد که، اگر خریدار آگاه می شد، از معامله صرفنظر می کرد یا بهایی کمتر می پرداخت، عیب است (کاتوزیان، ۱۳۹۲ الف). با توجه به ماده ۴۲۶ قانون مدنی به نظر دکتر کاتوزیان اگر در تعریف عیب گفته شود: «نقصی است که از ارزش کالا یا انتفاع متعارف آن بکاهد» به همه موارد عیب دست یافته ایم. در این تعریف، نقص در ارزش یا انتفاع مطلوب نشانه وجود عیب و عرف داور تمیز دهنده آن است. ولی، تمیز وجود عیب، در عین حال که ما را شناسایی ماهیت آن نزدیک می‌کند، نشان نمی‌دهد که در کالا چه رخ داده است که ارزش و فایده آن در دید عرف کاسته شود (کاتوزیان، ۱۳۹۲ الف). توضیحات گفته شده به ماهیت عیب در مسئولیتهای قردادی اشاره دارد، البته در مسئولیت مدنی عیب باید محصول تقصیر و بدون مجوز قانون بوده و ایجاد خسارت ناشی از از همان نقصی باشد که ارزش و انتفاع مطلوب آن کالا را کاهش داده است. بدین شکل که ماهیت عیب با تحقق ضرر در عرف خاص تولید آن کالا (محصول) گره خورده است.

۲-٤- عیب و مفاهیم مشابه

۲-٤-۱ نقص

عیب که معادل انگلیسی آن **defect** می‌باشد، درلغت به معنای بدی، نقص، نقیصه آمده است. درفقه نیز هریک از فقها در مبحث مربوط به خیار عیب برای عیب تعریفی ارائه داده اند که نقطه مشترک آنها زیاده و یا نقیصه در کالا می‌باشد. برای مثال، علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام فی المسائل الحلال و الحرام در تعریف عیب آورده است «عیب خروج از مجرای طبیعی است به واسطه زیادتی و کمی که موجب نقصان مالیت شود» درطرح یا تولید یا نقص اطلاعات، به صورت کالای خطرناک در می آید. تفاوت‌های آشکار این دو مفهوم را نیز نباید از نظر دور داشت، خطرناشی از کالای خطرناک ذاتی است و به

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بی‌مبالاتی و تقصیر در جریان تولید ارتباط ندارد درحالیکه خطرهای کالای معیب عرضی و ناشی از بی‌مبالاتی در پرهیز از خطرهای احتمالی و کوشش در راه تأمین ایمنی مصرف کنندگان است. صنعت خوب و سالم خطرناشی از استعمال را کاهش می‌دهد ولی زیان های این اقدام را از بین نمی برد. امروز بسیاری از داروها آثار جنبی و منفی دارد که احتراز ناپذیر است ودر اباحه تولید و تجویز پزشک نسبت به آنها، هیچ تردیدی وجود ندارد پس در چنین فرضی اجرای قواعد عمومی و مبتنی ساختن مسئولیت بر تقصیر معقول است. به همین جهت، تمیز اباحه یا منع تولید کنندگان اینگونه کالاها با معیارهای بیرونی، مانند درجه نیازها و هزینه ها انجام می‌شود نه مرغوب بودن تولید. به عنوان مثال، حرکت کامیون‌های حامل مواد سوختنی وقابل انفجار (مانند بنزین و نفت) دربزرگراه ها کاری است خطرناک که بیش از حد متعارف، احتمال ورود خسارت را زیاد می کند ولی آیا می توان به دلیل این خطر از ساخت کامیون حامل بنزین خودداری کرد؟ همچنین ممکن است تجویز داروئی خطرناک برای درمان بیماری خاص ضروری باشد و پزشک ناگزیر از این کار باشد. داوری در این راه بستگی به مقایسه فوائد حمل و نقل و هزینه ها وخسارت احتمالی ناشی از آن دارد جا بجائی مواد سوختنی چندان مهم و ضروری است که استقبال از هرخطری را ناگزیر می سازد، پس در اباحه این تولید نمی توان تردید کرد یا مسئولیت خسارت ناشی از آن را به تولید یا عرضه کننده کالا نسبت داد ولی این پرسش باقی می ماند که آیا در برابر خطر نامتعارف و بزرگی که این صنعت و خدمت ایجاد می کند عادلانه است که مسئولیت بیشتری را برعهده بگیرد و به عنوان مثال، مسئولیت سازنده کامیون یا متصدی حمل و نقل مواد آتش زا و قابل انفجار نسبت به خسارت ناشی از آتش سوزی و انفجار مسئولیت محض باشد؟ همچنین در مواردی که علم در تولیدی که عمر و ماندگاری کمی دارد و حتی با استفاده کوتاه مدت، آن کالا خراب می شود یا از بین می رود. در واقع مشخصه اصلی کالای نامرغوب، بازده کم و عمر کوتاه و نداشتن میزان انتظاری که مصرف کننده از آن کالا مد نظردارد؛اما کالای معیوب کالایی است که به سبب عیب موجود از ارزش کالا یا انتفاع متعارف آن بکاهد. کالای معیوب کالایی است که دارای نقص است چه پنهان و چه آشکار ؛ بدین شکل که حتی کارکرد اولیه آن نیز با مشکل رو برو است (نوری، ۱۳۹۶).

۱-۱-۲-٤-تفاوت نقص و تلف با عیب از نظر حقوقدانان

عیب و نقص از نظر دکتر شهیدی و کاتوزیان و آثار متراتب بر آن: دکتر شهیدی معتقد است که «نقص تلف قسمتی از مبیع است و عیب از بین رفتن صفتی از صفات مبیع». دکتر کاتوزیان: «عیب کاستی یا فزونی بر خلاف متعارف در شی یا حیوانی میباشد»دکتر شهیدی معتقداست: عیب و نقص هیچ کدام باعث انفساخ عقد بیع نمی باشد، ایشان در این مورد بیان می‌دارد: در صورتی نقص در مبیع طبق ماده ۳۸۸ مشتری فقط حق فسخ دارد و انفساخ موردی ندارد) و در صورت وجود عیب در مبیع: طبق ماده ۴۲۵ و ۴۲۲ قانون مدنی مشتری حق اخذ ارش و یا فسخ را دارد. نقص عبارت است از تلف جزء، مانند شکستن چراغ اتومبیل ولی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

عیب، عبارت است از تغییر وضعیت در تمام یا قسمتی از مبیع بدون اینکه جزیی از آن از بین رفته باشد، مانند اینکه بر اثر تصادف، در اتومبیل فرورفتگی پیدا کند که در این مورد نقصی به وجود نیامده ولی اتومبیل معیوب شده است، اضافه می‌کنیم که در پاره موارد کلمه عیب را بر نقص نیز اطلاق می‌کنند. به موجب ماده ۴۲۵ ق. م عیبی که بعد از بیع و قبل از قبض در مبیع حادث شود در حکم عیب سابق است، یعنی مشتری خواهد توانست یا معامله را فسخ کند و یا آنکه از بایع ارش بگیرد. در مورد عیب نیز، آنچه در تلف و نقص گفتیم، جاری است، یعنی اگر عیب، به وسیله مشتری باشد، حق فسخ ندارد و اگر عیب، به وسیله بایع یا ثالث، در مبیع ایجاد شده باشد، باز هم مشتری حق فسخ ندارد ولی بایع و ثالث مسئول جبران خسارت هستند. (شهیدی، ۱۳۸۹) از نظر دکتر کاتوزیان: اگر مبیع تجزیه پذیر باشد و در آن نقص حاصل شود، عقد بیع نسبت به بعض تلف شده منفسخ می شود و نسبت به بقیه مشتری خیار تبعیض صفقه دارد. مثال: مانند لوازم یدکی اتومبیل یا کیسه ای از برنج های فروخته شده در صورت تلف عقد به اعتبار اجزای مبیع به دو عقد منحل می شود:

الف- عقدی که ناظر به بخش تلف شده است و بر طبق قاعده کلی منفسخ می‌شود.

ب- نسبت به بقیه درست است و خریدار می‌تواند به استناد خیار تبعض صفقه آن را فسخ کند (زیرا در مبادله سهمی از ثمن در برابر آن قرار گرفته‌اند) اگرمبیع تجزیه ناپذیر باشد: طبق ماده ۳۸۸ قانون مدنی مشتری حق فسخ دارد، در صورت نقص در مبیع ایشان معتقد است ماده ۳۸۸ فقط ناظر بر مبیع تجزیه ناپذیر می باشد (نوری، ۱۳۹۶): در صورتی که بعضی از مبیع تلف شود باید دو حالت تفکیک قائل شد.

الف- پاره تلف شده اصالت دارد و در مبادله سهمی از ثمن در برابر آن قرار گرفته:در این صورت عقد نسبت به پاره تلف شده (منفسخ) و نسبت به بقیه صحیح است ولی خریدار با توجه به خیار تبعیض صفقه خیار فسخ دارد.[1]

ب- مبیع تجزیه ناپذیر است و بخشی که تلف شده سبب نقص آن می شود، بدون اینکه جزئی از ثمن را به خود اختصاص دهد. در این مورد طبق ماده ۳۸۸ «اگر قبل از تسلیم در مبیع نقصی حاصل شود، مشتری حق خواهد داشت که معامله را فسخ نماید» (نوری، ، ۱۳۹۶). نقص از بین رفتن وصف کمال است (ماشینی فاقد موتور باشد)

عیب: کاستی یا فزونی بر خلاف متعارف در چیزی یا حیوانی: (مثلاً بر روی ماشین رنگ پاشیده باشند. دکتر شهیدی معتقد است: «عیب تلف قسمتی از مبیع است».

تلف نما آت مبیع: به علت اینکه نما آت به طور مستقل موضوع مبادله قرار نگرفته اند، ضمان معاوضی در مورد آنان قابل طرح نمی‌باشد. در حقیقت نما آت به تبع عین متعلق به خریدار است ولی در دست

۱. البته به نظر شهیدی فقط مشتری به استناد ماده ۳۸۸ حق فسخ دارد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

فروشنده امانت است، فروشنده در حکم امین است پس هر گاه بدون تعدی و تفریط تلف شود، از مال خریدار به حساب او خواهد بود.

۲-٤-۲ عیب و تدلیس

هر چند قانون مدنی تعریفی از عیب ننموده ولی تشخیص آن را به نظر عرف گذارده است و ملاک نظر عرف در عیب هر زیادتی و یا نقصانی است در شیئی که در آن نوع یافت نشود تدلیس عبارت از عملیاتی است که موجب فریب طرف معامله گردد و آن به نمایاندن صفت کمالی است که در حقیقت نباشد و یا پنهان نمودن نقصی است که در مال موجود باشد. . تنها موردی که ممکن است عیب و تدلیس با یکدیگر اشتباه شود، در صورتی است که نقصی در مال موجود باشد که عرف عیب بداند و به وسیله عملیاتی آن را پنهان نمایند، مانند آنکه میله شکسته اتومبیل را جوش داده و روی آن را به وسیله رنگ پوشانیده باشند که معلوم نشود. (امامی، ۱۳۹۳: ۱).

۳-مسئولیت مدنی[۲]

در هر مورد که شخصی ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، در برابر وی مسئولیت مدنی دارد. اصولا مسئولیت مدنی برای جبران خسارتی است که از عمل غیر جزایی به وجود می آید یا چنانچه ناشی از عمل جزایی باشد، مسئولیت مدنی شامل آن خسارت می باشد. به عبارت دیگر مسئولیت مدنی برای اعمالی است که خسارت واقعه به صورت عمد وقوع پیدا نکرده یا اگر عمدی در کار باشد برای آن وصف مجرمانه متصور نیست. (ابراهیمی، ۱۳۸۲)مسئولیت در مقام خسارتی که شخص (یا کسی که تحت مراقبت یا اداره شخص است) یا اشیاء تحت حراست وی به دیگری وارد می کند و هم چنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد. مسئولیت مدنی در مقابل مسئولیت کیفری استعمال می‌شود. مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد که گاهی آن را مسئولیت تقصیری می نامند قدر مشترک هر دو نوع مسئولیت نقض تعهد و الزام است نهایت اینکه در نخستین، نقض تعهد قراردادی می شود و در دومین، نقض تعهد قانونی. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰) مسئولیت ناشی از عیب کالا در دسته دوم بشکل نقض تعهد قانونی تحقق می یابد.

۳-۱ جایگاه عرف در ارکان مسئولیت مدنی وضابطه عرفی احراز عیوب منجر به مسئولیت با توجه به قواعد عام مسئولیت مدنی

مقصود از ارکان مسئولیت مدنی شرایط لازم برای تحقق مسئولیت مدنی است و از این رو حقوقدانان این مطلب را با عنوان شرایط مسئولیت مدنی مورد مطالعه قرار داده اند. این سه رکن عبارتند از ضرر، فعل زیان

---

1. Civil liability

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بار و رابطه سببیت. می توان گفت هر سه این ارکان در نظر عرف معنا و مفهوم پیدا می‌کند. برای روشن شدن بیشتر مطالب هر یک از این ارکان را به لحاظ مفهومی، اقسام و شرایط در منطق عرفی مورد بررسی قرار می دهیم. سوالی که مطرح می شود این است که عیب منجر به خسارت در کدام دسته از ارکان مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد؟ در کجا عیب بصورت ضرر محقق می‌گردد و در چه جایی خود می‌تواند بعنوان سبب ایجاد ضرر باشد؟ بنظر می رسد میان عیب و ضرر یک رابطه علت و معلولی برقرار باشد که در بعضی مواقع جای این علت و معلول جابجا می گردد. بدین صورت که عیب می تواند منجر به زیان گردد و خود ضرر می تواند به شکل عیب بوجود آید. که هر دو حالت ایجاد مسئولیت می نماید، چرا که هر دو حالت منتهی به ضرر می‌گردد و زیان زننده ملزم به جبران خسارت است. . بدین صورت که احراز هر یک از این ارکان بوسیله عرف امکانپذیر است. معیار تمیز عیب داوری عرف است و در اثر نقص ارزش یا انتفاع از مورد معامله تحقق می‌یابد (کاتوزیان، ۱۳۹۲ ج). در خصوص معیار تشخیص عیب در ماده ۴۲۶ قانون مدنی مقرر می دارد: «تشخیص عیب بر حسب عرف و عادت می‌شود و بنابراین ممکن است بر حسب ازمنه و امکنه مختلف شود. »عرف و عادت محل قرار داد و زمان تراضی مناط اعتبار است (کاتوزیان، ۱۳۹۲ ج). ماده ۴۲۶ قانون مدنی صرفا به ضابطه تشخیص عیب اشاره دارد نه مفهوم و ماهیت عیب. عیب کالا در مسئولیت قرار دادی چهره نوعی دارد (فلاح خاریکی، ۱۳۹۶). ولی در مسئولیت مدنی بنظر می‌رسد عیب چهره مختلط (نوعی و خاص) داشته باشد چرا که ضابطه تشخیص آن معیار عرفی خاص آن صنف تولید کننده است که اشباه آن کالا را تولید می نماید.

۳-۲-مسئولیت غیر قرار دادی

این مسئولیت شامل دو مرحله می باشد: الف- مسئولیت مبتنی بر تقصیر ب- مسئولیت محض

الف: مسئولیت مبتنی بر تقصیر: مدتها اصل عدم مسئولیت سازندگان و فروشندگان کالا بر حقوق غرب حاکم بود و این نظریه که با اصل نسبی بودن قراردادها توجیه می شد، در واقع محصول تحولات انقلاب صنعتی و تئوری لزوم حمایت از تولید کنندگان بود.

حقوقدانان کامن لا پرونده مک فرسون و کمپانی بیوک را بزرگترین حمله به اصل نسبیت قراردادی دانسته‌اند[۳]در این دعوا دادگاه مرزهای خصوصی قرارداد را شکست و خوانده را بر مبنای تسبیب محکوم ساخت، قاضی محکمه اعلام کرد که خصوصی بودن رابطه قراردادی مانع از مسئولیت قهری فروشنده

---

۱. موضوع دعوا از این قرار است:

کارخانه اتومبیل سازی بیوک، ماشینی را می فروشد، خریدار نیز آن را به خواهان انتقال می‌دهد. هنگام رانندگی یکی از چرخ های ماشین می‌شکند و در اثر واژگونی اتومبیل، خواهان صدمه می‌بیند. در بازرسی فنی معلوم می‌شود که چرخ معیب از کالای نامرغوب تهیه شده است. جالب اینکه چرخها بوسیله شرکت بیوک ساخته نشده بود و معلوم شد که از دیگری خریده است و هیچ دلیلی در پرونده نشان نمی‌داد از عیب چرخها آگاه بوده است و مدعی نیز بعنوان عمد طرح دعوا نکرده است ولی چون این عیب با بازرسی معمولی سفارش دهنده قابل احراز بود و کارخانه بیوک می توانست با دقتی متعارف آنرا در یابد دعوا به عنوان بی احتیاطی طرح شده بود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

نسبت به تولید محصول معیب و خطرناک در برابر او و دیگران نیست (نوری، ۱۳۹۶). این قاعده را امروزه همه پذیرفته اند و مسئولیت محض را محدود به سلسله خریداران و مصرف کننده نمی‌کنند و به اشخاص ثالث که هیچ رابطه‌ای با تولید و مصرف کالا ندارند، سرایت می‌دهند. اما در این مرحله از تحول نیز مشکلات خاصی بروز کرد. اولا – زیان دیده باید بر مبنای قواعد عمومی مسئولیت، تقصیر خوانده را اثبات نماید. ثانیا–از جهت قلمرو نظریه تقصیرنیز حمایت قانون شامل اشخاصی می‌شود که قابل پیش بینی باشند. حقوقدانان غربی برای رهایی بخشیدن متضرر از معضل اثبات تقصیر، چاره جویی هایی کرده اند که یکی از آنها تضمین تولید کننده و فروشنده در برابر آخرین مصرف کننده است.

٤- مبانی نظری مسئولیت

٤-١مسئولیت محض

مسئولیت محض گاه بر آن نوع از مسئولیت اطلاق شده است که با قرارداد تغییر پذیر نیست. به عبارت دیگر مسئولیتی که شرط عدم مسئولیت در آن بی اعتبار است. گاهی مسئولیت محض در معنای دیگر به کار رفته: تولید کننده مسئول خسارتی است که ناشی از عیب کالاست هنگامی که این عیب نتیجه طراحی غلط کالا یا نقص در مرحله تولید و یا سهل انگاری در دادن هشدار و آگاه سازی از چگونگی بهره برداری از کالا باشد. تقصیر زیان دیده در ایجاد حادثه باعث زوال این مسئولیت محض می شود زیرا تولید کننده، بیمه کننده کالای خود نیست بعلاوه وی تکلیفی ندارد که کالایی ضد حادثه بسازد. آخرین معنا اینکه تولید کننده مسئول حوادث ناشی از کالاست اگر چه همه احتیاطات لازم را به عمل آورده باشد.

و اگر چه زیان دیده در رعایت بعضی اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از خطر کالا قصور کرده باشد. طرفداران نظریه های مبتنی بر درونی کردن هزینه های خارجی برای رسیدن به هدفشان از مسوولیت محض طرفداری می‌کنند. زیرا مسوولیت محض بطور مستقیم افراد را وادار به تحمل هزینه های فعالیتشان می‌کند. در واقع، با برقراری نظام مبتنی بر مسوولیت محض، چون هر فعالیتی هزینه واقعی خود را تحمل می‌کند، سطح فعالیت ها به میزانی که از نظر اجتماعی مطلوب است، خواهد رسید. این نظریه یکی از مهمترین مبانی نظری مسوولیت محض ناشی از عیب تولید در آمریکا محسوب می‌شود. (بادینی، ۱۳۹۲).

٤-٢-نظریه تضمین حق

به نظر بوریس استارک، دانشمند حقوق، مبنای مسئولیت مدنی محدود و منحصر به نظریه تقصیر یا نظریه خطر نیست و اشتباه است که تنها به آثار و ارزیابی عمل عامل زیان توجه کنیم و حقوق زیاندیده و تضمین قانونگذار را فراموش کنیم. (کاتوزیان، ۱۳۹۳:۱) به‌نظر این حقوقدان هر کس حق دارد در جامعه خود سالم و ایمن زندگی کند و حقوق او تضمین شود. هیچ‌کس حق ندارد حقوق و سلامتی و ایمنی دیگران را به خطر اندازد. پس به محض اینکه حقی از بین رفت و زیانی وارد شد عامل زیان باید آن را جبران کند و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

همین الزام به جبران زیان، مسئولیت مدنی نامیده می‌شود. حسن بزرگ این نظریه آن است که به تضمین حقوق افراد زیاندیده و حمایت قانونی از آنان توجه و تأکید دارد. با این همه به این نظریه ایراد گرفته‌اند که حمایت از حقوق واردکننده زیان را، که در اجراء حقوق خود فعالیت می‌کند، نادیده گرفته و برای حقوق زیاندیدگان تقدم و رجحان قائل شده است. در پاسخ به این ایراد حقوقدان مذکور می‌گوید که تضمین و حمایت از حقوق مربوط به جسم و جان انسان بر سایر حقوق او برتری دارد. ایشان با تفکیک خسارت‌های بدنی و مالی از خسارت‌های معنوی و اقتصادی معتقد هستند که خسارت‌های بدنی به هر حال باید جبران شود ولی جبران خسارت‌های اقتصادی و معنوی موکول به اثبات تقصیر عامل زیان است. همان‌طور که دکتر ناصر کاتوزیان نوشته‌اند، گرچه نظریه تضمین حق نیز در ایجاد مسئولیت مدنی نقش مؤثری دارد ولی هیچ یک از نظریه‌های ابراز شده نمی‌توانند به تنهائی و به‌طور انحصاری مبنای مسئولیت مدنی قرار گیرند. در هر یک از این نظریه‌ها حقیقتی انکارناپذیر وجود دارد .به‌نظر ایشان آنچه اهمیت دارد رسیدن به عدالت است و این ابزارهای منطقی تنها وسایل راه‌گشائی به این هدف هستند (کاتوزیان، ۱۳۹۳:۱). به‌نظر می‌رسد که مبنای تشخیص مسئولیت مدنی عرف و اصول مورد قبول جوامع انسانی است.

٤-۳-نظریه تعهد به ایمنی

به موجب این نظریه در مواردی اشخاص به لحاظ تعهدی که به سلامت و ایمنی در فعالیت‌ها و یا تولیدات خود دارد و این تعهد از قدرت و فرا گیری نسبتا زیادی برخوردار است چنانچه از فعالیت های این شخص که تعهد دارد و یا از کارهای و تولیدات مربوط به او خسارتی به دیگران که با او ارتباط دارند ایجاد شود با توجه به اینکه تعهد چنین شخصی از نوع تعهد به نتیجه است به مجرد بروز خسارت از طرف او زیان دیده می تواند در دعوای مسئولیت مدنی علیه او اقامه کرده و مطالبه خسارت نماید در نظر بگیرد تولید کنند یک محصول غذایی و یا بهداشتی و یا سازنده داروی خاص طبق مقررات و تعهد های شغلی چنین شخصی تعهد به تولید و عرضه محصول سالم و ایمنی دارد و از بکار بردن مواد که آسیب زا هستند خودداری کند و برای اینک محصول او سالم و بی خطر باشد آزمایشات لازم را انجام بدهد و کیفیت استفاده از ان را روشن نماید، حالا اگر این محصول بدون طی این مراحل ناقص عرضه شود و مصرف کننده دچار آسیب و زیان گردد به علت اینکه ایمنی فراهم نشده (تعهد به ایمنی نقض گشته) و به عبارت دیگر ایمنی و سلامت به عنوان نتیجه فراهم نشد ضامن و مسول خواهد بود، . بدین شکل که کارخانه تولید مواد غذایی و بهداشتی اقدامات احتیاطی لازم را برای ایمنی محصول تولیدی بعمل نیاورده است. بنظر می رسد در این زمینه نظریه تعهد به ایمنی کالا ریشه در اصل احتیاط داشته باشد. اصل احتیاط می تواند در تغییر بار اثبات مسئولیت موثر باشد. اصل احتیاط مبین این تکلیف بود که اگر از نقطه نظر علمی و فنی انجام عملی عاری از زیان احتمالی سنگین و غیر قابل جبران نباشد، باید اقدام مقتضی برای احتراز از زیان احتمالی به عمل آید. لذا، عامل زیان به لحاظ انجام عمل مخاطره آمیز و بر اساس نظریه خطر، دارای مسئولیت است. با

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

وجود این عامل زیان می تواند برای رهایی از این مسئولیت عکس اماره موصوف را به اثبات برساند. یعنی ثابت کند که از نقطه نظر علمی و فنی در هنگام انجام عمل، یقینی بوده است که هیچ گونه رابطه سببیت بین عمل او و خطری که نهایتا پدید آمده نمی‌توانسته وجود داشته باشد. بنابراین، کسی که فرض می شود، بر خلاف اصل احتیاط عمل کرده، چنانچه نتواند خلاف این فرض را به اثبات برساند، به خاطر عدم رعایت اصل احتیاط مسئولیت دارد. نمونه بارز چنین مسئولیت هایی را می توان در مسئولیت‌های پزشکی و مسئولیت‌های ناشی از تولید کالا های معیوب یافت نمود(ماده ۱۱-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه) (حیاتی، ۱۳۹۲).

٤-٥ مبانی و قواعد فقهی و حقوقی مسئولیت ناشی از تولید و عرضه کالای معیوب

حقوق‌دانان ایرانی در مورد مبنای اصلی مسئولیت مدنی پذیرفته شده در حقوق ایران اختلاف نظر دارند. این اختلاف نظر ناشی از برداشت‌های مختلفی است که نسبت به قوانین و همچنین اختلاف در جایگاه قوانین مختلف که به بیان قواعد و مبانی قواعد مسئولیت مدنی پرداخته‌اند وجود دارد. در واقع در خصوص مبانی و احکام کلی مسئولیت مدنی چند متن قانونی عمده در حقوق ایران وجود دارد:

الف: قانون مدنی.

ب: قانون مجازات اسلامی.

ج: قانون مسئولیت مدنی.

قواعد و احکام بیان شده در قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی کمابیش یکسان و مشابه‌اند و هر دو از فقه اسلامی نشأت گرفته‌اند. قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ از مبنای متفاوتی نسبت به قوانین فوق پیروی کرده و از حقوق غربی و به خصوص حقوق ژرمن (آلمان و سوئیس) الهام گرفته است و تقصیر را به عنوان مبنای مسئولیت پذیرفته است. (بابایی، ۱۳۹۴). در مقررات باب اتلاف و تسبیب قانون مدنی نیز تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت پذیرفته شده است. در حقوق ایران، مانند آنچه که در فقه اسلامی بیان گردید، مبنای عام مسئولیت مدنی، همان نظریه تقصیر است(حیاتی، ۱۳۹۲). در فقه قواعد مختلفی در خصوص جبران خسارت آمده است: از جمله قاعده لاضرر که تاکید بر جبران کلیه خسارات دارد، همچنین قاعده ملازمه بین خسارت و فایده: «من له الغنم فعلیه الغرم» «اگر شخصی از یک اقدام یا کالا منتفع شود، باید خسارتی را که به واسطه آن اقدام یا کالا به اشخاص دیگر وارد می شود یا مخارجی را که حاصل می‌شود نیز بپردازد. »(توکلی، ۱۳۹۶). در اینجا تولید کننده سود برنده اصلی از اقدام و کار تولید است و به نوعی از این قاعد، تعهد به ایمنی تولید کنندگان کالا های تولیدی را می توان برداشت نمود چرا که آنان از فروش و عرضه این محصولات منتفع می شوند و سلامت و عدم زیان آنر ابابد تضمین نمایند. و از طرفی هر ضرری که ناشی از عیب کالا باشد براساس قاعد لاضرر جبران گردد ولو مباشرتن و یا به تسبیب وارد شده باشد. درست است که مصرف کننده نیز از کالای تولیدی بهره می برد ولی ضرری که از

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

کالای تولیدی معیوب در جهت استفاده از آن محصول به خود یا دیگری بدون هیچ گونه تقصیری ایجاد می‌شود منتفع اصلی را باید مسئول قلمداد نمود. در قاعده اتلاف محور مسئولیت از بین بردن مال دیگری است که مستند فقهی آن «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن»(هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن است) (محقق داماد، ۱۳۸۸). با اینکه براساس قاعده اتلاف استفاده کننده کالای معیوب به عنوان متلف و وارد کننده زیان مباشرتا و بطور مستقیم خسارت وارد نموده نمی توان براساس این قاعده او را ضامن تلقی نمود چرا که عامل اصلی و مسبب زیان به شکل غیر مستقیم بواسطه عیب کالای تولیدی باعث ایجاد خسارت شده است؛ در این خصوص قاعده تسبیب در فقه اسلامی بیان شده است.

در قاعده تسبیب: اگر شخصی موجبات ورود خسارت به غیر را فراهم کند یا به طور غیر مستقیم و با واسطه موجب خسارت او شود، ملزم به پرداخت خسارت است(توکلی، ۱۳۹۶). مصداق کاربرد این قاعده در موردی است که تولید کننده از قطعات غیر استاندارد و ناسالم در ساخت خودرو استفاده نموده و راننده، حین رانندگی علیرغم سرعت مجاز و رعایت جوانب احتیاط به دلیل نقص در سیستم ترمز و همچنین ترکیدن لاستیک دچار خسارت مالی و جانی می گردد؛ موجب این حادثه، ناسالم بدون قطعات بکار رفته در ساخت بوده و عامل اولیه مسبب حادثه تولید کننده اتومبیل معیوب، بعنوان (سبب متعارف یا اصلی) است که ملزم به جبران خسارت می گردد. در اینجا مسئولیت تولید کننده و فروشنده بر مبنای تسبیب است (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲). در فقه و قانون مدنی ایران ضمانی را که با واسطه و غیر مستقیم باشد تسبیب می نامند و با در نظر گرفتن اینکه عمدتا تولید و عرضه کنندگان کالا و خدمات معیوب بصورت غیر مستقیم و بواسطه عیب محصولات تولیدی منجر به ایجاد خسارت به مصرف کنندگان یا دیگری می شوند پذیرش مبنای مسئولیت آنان در غالب تسبیب منطقی بنظر می رسد. زیان ناشی از عیب بیشتر در غالب تسبیب ضمان آور است چرا که معمولا در اثر استفاده از کالای معیوب توسط تولید کننده بشکل زنجیره وار به عده ای خسارت وارد می‌گردد و شخص تولید کننده به طور مستقیم مباشر تلف کردن مال نیست، ولی مقدمه تلف را آن فراهم می‌کند. در این حالت عرف ورود ضرر را منسوب به او می داند و به همین جهت مسوولیت دارد. در تسبیب، بر خلاف آنچه در اتلاف گفته می‌شود، وجود تقصیر شرط ایجاد مسوولیت است و ممکن است نتیجه انجام دادن کار یا خودداری از آن باشد. یعنی باید عملی که باعث خسارت شده است ناشایسته باشد. لزوم تقصیر در هیچ ماده ای به صراحت نیامده است، ولی در پاره ای از مثالها مسوولیت منوط به خطای مسبب شده است، چنانکه مسوولیت منوط به خطای مسبب شده است چنانکه در ماده در ماده ۳۳۳ ق. م به مسئولیت مدنی مالک اشاره نموده «. . . مشروط بر اینکه خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مطلع بر آن بوده و یا از عدم مواظبت او تولید شده است» (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱). اثبات ورود ضرر به زیان دیده و همچنین ارتکاب تقصیر یا وقوع فعلی از طرف خوانده یا کسانی که مسوولیت اعمال آنان با اوست، به تنهایی دعوای خسارت را توجیه نمی کند. باید احراز شود که بین دو عامل ضرر و فعل زیانبار رابطه سببیت وجود دارد:یعنی ضرر از آن فعل ناشی شده است. فرض کنیم

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

عمارتی خراب می شود و به جان و مال جمعی آسیب می رساند. ظاهر این است که خرابی در نتیجه عیب فنی به وجود آمده است و معمار و مهندس آن در این راه بی احتیاطی کرده اند. بنابراین، کافی است که مالك خراب شدن ساختمان و زیان های ناشی از آن را ثابت کند. ولی، اگر معمار یا مهندس مدعی باشد که عامل خارجی در این خرابی دخالت داشته است و حادثه را نمی توان مربوط به کار او کرد، باید وجود این عامل را اثبات کند (کاتوزیان، ۱۳۹۲ ب). از مباحث مهم قانون حمایت از مصرف کننده خودرو نیز، بحث مبنای مسئولیت مدنی است. اساتید حقوق از مبنای مسئولیت به فلسفه مسئولیت، نیروی توجیه کننده مسئولیت و. . . تعبیر نموده اند. به طور کلی از مبانی مختلفی در باب مسئولیت مدنی، گفتگو می شود:مبنای مسئولیت قراردادی- تقصیر عرضه کننده- مسئولیت محض- تضمین ضمنی و مبانی دیگر که از اهمیت کمتری برخوردار است. اکنون مقررات قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا موضع قانونگذار ایران روشن گردد.

٤-٥-١-مسئولیت قراردادی:

در ابتدا آنچه به نظر می رسد در قانون حمایت از مصرف کننده خودرو مورد پذیرش واقع شده، مسئولیت قراردادی است. در واقع عرضه کننده با فروش خودرو و با ارائه ضمانتنامه به خریدار متعهد می‌شود هر گونه نقص وعیبی که در خودرو وجود داشته یا در نتیجه استفاده معمول از خودرو بروز نموده و کلیه خسارات وارده به مصرف کننده و اشخاص ثالث را جبران نماید. این نظر در مورد خریدار اول که در رابطه مستقیم با عرضه کننده قرار دارد قابل اعمال است اما در فرضی که زیان دیده طرف معامله نبوده و صرفا مصرف کننده کالای معیوب باشدیا شخص ثالثی باشد که در اثر عیب کالا خسارت دیده است، استناد به قواعد مسئولیت قراردادی تقریبا ناممکن است ودعوای مسئولیت مدنی منوط به اثبات تقصیر عرضه کننده (خوانده) است ومطالبه خسارت ناشی از عیب کالا ازعرضه کننده ای که از عیب کالای خود آگاه نبوده و تقصیری مرتکب نشده مطابق قواعد سنتی مسئولیت مدنی امکان پذیر نیست (نوری، ۱۳۹۶).

٤-٥-٢-مسئولیت محض

اگرچه در حقوق موضوعه ایران، مبنای اصلی مسئولیت مدنی تقصیر است اما قانونگذار در موارد خاصی از مبنای دیگری همانند نظریه خطر پیروی نموده است. در خصوص عرضه کنندگان کالای معیوب هم قانونگذار مسئولیت آنها را بر مبنای نظریه خطر استوار ساخته است. زیرا عرضه کننده کالای معیوب در برابر سود و منفعت مسئولیت قراردادی که از کار خود می برد باید زیانهای ناشی از آن را نیز تحمل کند (خطر در برابر انتفاع مادی) یا حداقل آنست که تولید یا عرضه کالای معیوب، فعالیت زیان بار غیر عادی و نامتعارفی است که باید مسئولیت زیانهای ناشی از ان را بر عهده گیرد (مسئولیت ناشی از ایجاد خطر نامتعارف)؛ بعبارت دیگر، هر کالای تولیدی یا عرضه شده باید قابلیت استفاده متعارف و ایمنی لازم برای

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

چنین کاربردی را داشته باشد. در غیر اینصورت، تولید کننده مرتکب فعالیت زیان بار نامتعارفی شده که باید عواقب آن (زیانهای ناشی از عیب) را متحمل شود.

٤-٥-٣-تقصیرعرضه کننده و ارتباط آن با علم و فناوری روز

اقتضای مبنای پذیرفته شده در حقوق ما آن است که مسئولیت مدنی او به رسمیت شناخته شود درحالی که اگر تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت عامل غیرمستقیم (اتلاف به تسبیب) شمرده می‌شد در نبود احراز تقصیر مسئولیتی متوجه او نمی‌شد. مصداق بارز این امر را می‌توان در دعاوی راجع به تولید کالای معیوب و خطرناک مشاهده کرد توضیح آنکه در مورد کالاهای جدید (مثل داروها یا مواد شیمیایی) تولیدکنندگان محصولات خود را با توجه به علم روز تولید می‌کنند چه بسا پس از مدتی مشخص می‌شود که این کالا دارای معایب و خطراتی بوده که در زمان تولید ناشناخته بوده و با پیشرفت علم و سال‌ها بعد مشخص می‌شود که این کالا منشأ بسیاری از خطرها و خسارات بوده است (چه بسا به علت نشناختن مشکلات، معایب و ناهنجاری کالا، درزمان وقوع حادثه حتی رابطه سببیت بین تولید این کالا و وقوع خسارت نیز احراز نشده است). چنان‌چه پس از آن با پیشرفت علم ناهنجاری و عیب کالا مشخص شود، عرف خسارت وارده را به روشنی به کالا و تولیدکننده آن منتسب می‌کند. در این مثال علی رغم احراز بعدی ناهنجاری و عیب کالا و در نتیجه احراز رابطه سببیت بین تولید کالا و خسارت وارده، به طور مشخص تولیدکننده مرتکب تقصیر و بی احتیاطی نشده است زیرا کالا را متناسب با علم و احتیاط‌های متعارف روز تولید کرده است. در این مورد نظام حقوقی همچون نظام حقوقی ایران که علی‌الخصوص مسئولیت را صرف احراز رابطه سببیت میان فعل مشخص و خسارت قابل جبران به رسمیت می‌شناسد، حکم به مسئولیت تولیدکننده خواهد داد (مگر آنکه بنابر ملاحظاتی مسئولیت را خلاف اصل رد کند). ولی در نظامی که علی‌الخصوص تقصیر را مبنا و شرط مسئولیت لحاظ می‌کند مسئولیت مدنی مسبب حادثه را منتفی می‌داند (بابایی، ۱۳۹۴).
اصولا در تولید و ساخت هر فرآورده ای باید ضوابط کمی و کیفی و استانداردهای متعارف ساخت آن رعایت شده باشد و این امر نه تنها بصورت شرط ضمنی در روابط فروشنده و خریدار مورد لحاظ واقع می شود بلکه بصورت یک تکلیف عام حرفه ای برای عرضه کنندگان کالا تلقی می شود که عدم رعایت آن، تقصیر نوعی(در مفهوم اجتماعی آن) محسوب و مبنای مسئولیت عرضه کنندگان است. عیب و نقص فرآورده ها که منجر به وقوع حادثه و ضرر و زیان می شود اصولا به دلیل عدم رعایت استانداردهای قانونی یا متعارف در تولید است؛ تولید کنندگان باید در چرخه تولید محصولات خود بویژه در مورد کالاهایی که با سلامت افراد مرتبطند، این استانداردها را رعایت نمایند وگرنه وجود عیبی که منجر به ضرر و زیان مصرف کننده می شود دلالت بر تقصیر نوعی او دارد وموجب مسئولیت مدنی اوست و اگر تولید کننده از عیب فرآورده خود آگاه باشد، تقصیر شخصی و موجب مسئولیت کیفری اوست (نوری، ۱۳۹۶).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

٤-٥-٤ تضمین ضمنی

مبتنی ساختن مسئولیت فروشنده بر تضمین صریح یا ضمنی سلامت کالا، در دعاوی مسئولیت به سود مصرف کننده تمام می شود، زیرا او را از اثبات تقصیر فروشنده بی نیاز می کند (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲) وقتی خرید از کسی می‌شود که فروشنده کالاهایی از نوع مبیع است، تضمین ضمنی وجود دارد که مبیع نیز اوصاف آن نوع را داراست (**prosser، 1964**). عرضه کنندگان کالا علاوه بر ضمانت سلامت و کارایی کالا و رفع هر نوع نقص یا عیب احتمالی آن در مدت معین(دوره گارانتی) که هنگام فروش کالا تصریح می گردد، بطور صریح یا ضمنی ایمنی کالا و فرآورده خود را تضمین می کنند. تضمین ایمنی کالا که بدلیل پیش بینی آن در قانون می تواند از لوازم قانونی قرارداد فروش کالا و بر اساس ماده ۲۲۰ قانون مدنی از التزامات قراردادی فروشنده محسوب شود، تنها یک شرط صفت ساده یعنی وجود وصف ایمن بودن مبیع نیست تا در صورت تخلف، ضمانت اجرای آن تنها فسخ قرارداد(در بیع عین معین) یا تعویض کالا (در بیع کلی) باشد؛ بلکه علاوه بر آن التزام به جبران خسارت ناشی از فقدان ایمنی کالا نیز ضمیمه این تعهد است. چنین شرطی نه فقط به سود خریدار بلکه بصورت شرط و تعهد به نفع ثالث بطور ضمنی در قرارداد مقرر می‌گردد و ثالث در اینجا نه شخص معین بلکه عنوان عام مصرف کننده و بمانند عنوان عام دارنده در سند تجاری است (نوری، ۱۳۹۶). با این وجود، گفته شده است اگر تضمین ایمنی مبیع به عنوان شرط قرارداد فروش از امور فرعی و وابسته به آن باشد، لازمه دانستن این پایه قراردادی آنست که شرط تضمین ایمنی مبیع در قلمرو توافق طرفین قرار گرفته و بیع بر مبنای تضمین سازنده یا عرضه کننده کالا و به اعتماد آن صورت گرفته باشد. پس در جایی که خریدار سازنده کالا را نمی شناسد یا توجهی به این گونه امور ندارد، چگونه می توان بیع را بر مبنای تضمین یاد شده استوار کرد و سازنده کالا را به عنوان عدم انجام تعهد مسئول شناخت؟ لذا باید آنرا تعهد مستقلی دانست که سازنده در برابر مصرف کننده دارد. در این صورت، بدلیل لازم الوفا نبودن شرط ابتدایی در دیدگاه مشهور فقها و عدم پذیرش ایقاع عام در حقوق موضوعه، باید چنین تعهد مستقلی را در یک قالب قراردادی همانند جعاله تحلیل نمود (نوری، ۱۳۹۶). در یک جمع بندکلی با توجه به نظریات مطرح شده بنظر می رسد در مورد کالاهای خطرناک پذیرش نظریه تضمین محض و در غیر موارد کالاهای خطرناک معیوب، پذیرش نظریه تضمین ضمنی مبنی بر سلامت کالا می تواند راه گشا باشد.

٥-مسؤولیّت ناشی از تولید و عرضهٔ کالا

٥-١- لزوم حمایت از مصرف کننده:

برای اینکه بتوانیم تحلیل مناسبی از کالای معیوب ارایه دهیم ابتدا لازم است بدانیم مخاطب یعنی اشخاصی که از طرف کالای معیوب مورد خطر قرار می گیرند و متحمل ضرر و زیان می‌گردد چه اشخاصی هستند؟ لزوم شناخت و برداشت صحیح از مصرف کننده و شخص یا اشخاصی که هیچ جایی در زنجیره ارتباطی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

یعنی عملیات تولید و قبل از آن وهمچنین استفاده و مصرف از محصول تولید شده و معیوب ندارد به ما کمک خواهد کرد که بدانیم در مقابل خطر ناشی از کالاهای خطرناک حقوق چه اشخاصی را باید تضمین نمود. به موجب ماده (۲)۲۰ قانون حمایت از مصرف کنند گان مصوب ۱۹۸۷ انگلستان شخصی مصرف کننده می باشد که:در خصوص کالا، هر شخصی که خواستار عرضه کالا برای استفاده یا مصرف شخصی اش باشد؛ در خصوص خدمات یا تسهیلات، هر شخصی که ارایه خدمات یا تسهیلات را برای مقاصد غیر تجاری درخواست نماید؛در خصوص مسکن، هر شخصی که اقامت در مسکن را برای مقاصد غیر تجاری در خواست نماید (**Hant. 2000**).

در حقوق ایران نیز در این قوانین به تعریف واژه مصرف کننده پرداخته شده است: قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو-قانون حمایت از مصرف کنندگان-قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۷- آیین نامه اجرایی ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیک و قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ در بند پنج از ماده یک خود آورده است که مصرف کننده عبارت است از:«هر شخص حقیقی یا حقوقی که خودرو را برای استفاده شخصی یا عمومی در اختیار دارد».

قانون تجارت الکترونیک در ماده ۲ بند(س) به تعریف مصرف کننده پرداخته است. در این تعریف آمده است که مصرف کننده «هر شخصی است که به منظوری به جز تجارت یا شغل حر فه ای اقدام کند». به نظر می رسد که این تعریف در مقایسه با دو تعریف قبلی تعریف روشنتری از مصرف کننده ارائه داده است. جامع ترین و کاملترین تعریفی که از مصرف کننده در حقوق ایران ارائه شده است تعریفی است که در آیین نامه اجرایی ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیک بدان اشاره شده و نقص تعریف ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک را مرتفع نموده است. در بند (ب) از ماده یک آیین نامه اجرایی ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیکی در تعریف مصرف کننده آمده است. « هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی است به منظوری جز تجارت یا شغل حرفه ای به خرید کالا و خدمات اقدام می کند». با توجه به مقررات اروپایی، مصرف کننده شخص حقیقی است که هدف او از خرید کالا یا خدمات خارج از حوزه تجارت و حرفه اش می‌باشد و تامین کننده نیز عبارت است از هر شخص حقیقی یا حقوقی که در راستای تجارت، شغل و حرفه اش به معامله اقدام می نماید. فلسفه اصلی حمایت از مصرف کننده، در واقع حمایت از یک شخص غیر متخصص و کم اطلاع در مقابل یک شخص متخصص و با اطلاع است (بنی فیض و اسدی، ۱۳۹۴).

مصداقی از مسئولیت مدنی ناشی از فراورده معیوب، داروی تولیدی توسط یک آزمایشگاه مربوط به فرآورده‌های دارویی و رای شعبه اول مدنی در دیوان عالی کشور فرانسه به تاریخ ۳ مارس ۱۹۹۸ در این خصوص می توان اشاره نمود. چند نکته در نظر دیوان قابل ملاحظه است که بیان آنها به ظرافت مفهوم عیب و تشخیص این مفهومی حقوقی در این دعوا کمک خواهد کرد چه مواردی در ساخت یک کالای با فایده را نیز می توان عیب تلقی نمود به نظر دیوان قرص معیوب بود و یک حالت غیر عادی و خطرناک در قرص وجود داشت و همین امر برای احراز نقض تعهد ایمنی کفایت می‌کند. به عبارتی این قرص تاثیر و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

فایده داشت اما بین فایده و تاثیر داشتن یک فرآورده با سالم و ایمن بودن فرآورده تا سبب خسارت مصرف نگردد، تفاوت وجود دارد، چنانچه در این مورد دارو فایده و تاثیر داشته است، اما ایمنی لازم را نداشته و سبب خسارت مصرف کننده گردیده است. به عبارتی اثر داشتن و ایمن بودن دو امر متفاوت بوده و نباید خلط شود. نکته قابل توجه دیگر اینکه دارو یک محصول خاص است خاص بودن به لحاظ اینکه ساختار پیچیده، دارای آثار و لوازم جانبی ناخواسته است گاه عوارض جانبی نیز دارند که این امر طبیعی است و به همین دلیل عوارض جانبی به خودی خود، عیب و نقص به شمار نمی رود. به همین دلیل عوارض جانبی به خودی خود، عیب و نقص به شمار نمی رود. به همین دلیل بیمار اصولا نمی تواند از جهت عوارض جانبی یک دارو مطالبه خسارت کند اما گاهی یک دارو سبب ورود خسارت جدیدی شده و ممکن است وضعیت بیمار را وخیم نماید که این امر عیب دارو بوده و بیمار باید از این جهت حق مطالبه خسارت را داشته باشد. نکته دیگر در این رای ظاهرا به مسئولیت ناشی از فرآورده های معیوب که با وضع قانون ۱۹ می ۱۹۹۸ به تصویب رسیده، نظر داشته است و در تعریف نقض تعهد ایمنی به ماده ۴-۱۳۸۶ ق.م.ف نیز عنایت داشته است که مقرر می دارد: «فرآورده از ایمنی لازمی که به طور مشروع انتظار می رود برخوردار نباشد» که ظاهرا این تعریف با ماده ۶ دستور العمل ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۵ مربوط به فراورده های معیوب نیز که قانون ۱۹ می ۱۹۹۸ آ« را با تصویب مواد ۱-۱۳۸۶ تا ۱۸-۱۳۸۶ ق. م. ف وارد حقوق فرانسه کرده است، تطابق دارد. به عبارتی این نکته که در رای ذکر شده است که دارو باید ایمنی مورد انتظار مشروع مصرف کننده را برآورده سازد، با دستورالعمل ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۵ مطابقت دارد. با این معیار از به بعد هر فرآورده ای که نقصی در آن باشد، معیوب بوده و از این به بعد دایره نقص کالا گسترده تر خواهد شد. زیرا با این معیار اگر محصولی ایمنی مورد انتظار مشروع مصرف کننده را هم نداشته باشد، باید آن را عیب محصول به شمار آورد. (یزدانیان ۱۳۹۵: ۴).

در این زمینه به نظر می رسد با بهره گیری از معیار عرفی خاص تولید آن محصول که به شکل قوانین و ضوابط خاص تولید و نحوه صحیح مصرف آن محصول درآمده و استانداردهای کیفی بعنوان معیار ایمن بودن آن محصول(سلامت) در تشخیص معیوب یا سالم بودن آن می توان بهره برد. پیشرفت صنایع و تنوع کالاها، به همان اندازه که زندگی را آسان می کند، بر میزان خطرها نیز می افزاید و ناچار مسؤولیّتهای تازه ایجاد می‌کند. این مسؤولیّتهارا به دشواری می توان با قواعد عمومی اداره کرد و تنها مقصر را ضامن پیامدهای خطای خود ساخت. پیچیدگی ساختار اقتصادی جامعه و ایجاد سرمایه های کلان و مؤسسه های صنعتی بزرگ اقتصادی عدالت را تغییر داده است. اگر در سده های پیشین اخلاقی شدن مسؤولیّت مدنی و دخالت تقصیر پیشرفت به شمار می آمد، امروز حمایت از حقوق ناتوان در برابر توانگر ارزش نخستن است. وانگهی، سیاست ایجاد تعادل و توزیع عادلانهٔ خطرها ایجاب می کند که توانگران در برابر سودهای سرشاری که می برند و خطرهایی که ایجاد می کنند، سهم بیشتری از پیامدهای این زندگی جمعی را تحمل کنند. امروز مصرف کننده در برابر تولید کنندگان خرد و کلان مظلوم و بی پناه است و با سلاح

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

کهنه نمی‌تواند در برابر رقیب زورمند از خود دفاع کند: نه تنها در مسیر پر پیچ خم تولید تمیز تقصیر دشوار و گاه ناممکن است، در بسیاری موارد نیز تقصیری رخ نداده است تا بر پایهٔ قواعد عمومی ضمانی به بار آید. در نتیجه، سود تولید و عرضه کالا را سرمایه دار می برد، ولی زیان آن را باید مصرف کننده تحمل کند. عدالت با چنین نابرابری مخالف است، هر چند که هر دو طرف بیگناه باشند (نوری، ۱۳۹۶).

۵-۲-دامنه مسئولیت

پیچیدگی های دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید در نظام تعارض قوانین مربوط به واقعیت ها و عناصر موضوعی این گونه از دعاوی مانند تعدد عوامل ارتباط، تنوع کالاهای تولیدی و وجود عناصر موضوعی و اشخاص متعدد طرف دعوی در این گونه از دعاوی می شود. گستردگی دامنه عناصر مسئولیت ناشی از عیب تولید ر ا بایستی به این پیچیدگی ها افزود. تقصیر در مسئولیت ناشی از عیب تولید سه زمینه کلی تقصیر در طراحی، تولید، دادن اطلاعات و آگاهی کامل را پوشش می‌دهد. از سوی دیگر تولید کننده و عامل زیان گروه های متفاوتی را شامل می شود مانند، طراح، تولید کننده اجزا و قطعات، شرکتی که کالا را به ابزار عرضه می نماید، صادر کننده و گروه های دیگری که در زنجیره تولید یا توزیع کالا نقش دارند. ماده ۳ کنوانسیون لاهه در خصوص قانون حاکم در مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا اشاره دارد. این کنوانسیون نسبت به مسئولیت اشخاص ذیل قابل اعمال خواهد بود:

الف) تولید کننده کالای نهایی و یا اجزائ آن؛ تولید کننده یک محصول طبیعی ؛ تامین کننده کالا؛ سایر اشخاص. (طباطبائی نژاد، ۱۳۹۴).

ب) از نظر عامل زیان: در رژیم خاص مسئولیت تولید و عرضه فرآورده معیوب که در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو مقرر گردیده است، مسئولیت و جبران خسارت بر عهده عرضه کنندگان کالا یا خدمات معیوب است. در بند ۲ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو عرضه کننده هر شخص حقیقی یا حقوقی است که به طور مستقیم یا از طریق واسطه فروش مبادرت به فروش خودروهای تولیدی یا وارداتی ر حالتی است که خود کند.

ج) از لحاظ تعریف عیب :در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو، عیب اعم از نقص یا عیب ناشی از طراحی، مونتاژ، تولید یا حمل است که در خودرو وجود داشته یا در نتیجه استفاده معمول از خودرو بروز نموده باشد یا مانع استفاده مطلوب از خودرو یا نافی ایمنی آن باشد یا موجب کاهش ارزش کالا شود .همچنین آیین نامه اجرایی این قانون عیب را اینگونه تعریف کرده است«عیب: زیاده نقیصه و یا تغییموجب کاهش ارزش اقتصادی کالا و خدمات و یا امکان نداشتن استفاده متعارف از آن می گردد. این مفهوم متفاوت ازمعیاری است که در ماده ۴۲۶ ق. م آمده است. در ماده مزبور تشخیص عیب به عهده عرف است و ممکن است کالایی نقص ارزش داشته باشد ولی در نظر عرف معیوب تلقی نگردد (نوری، ۱۳۹۶). قسمت ب ماده ۲ اعلامیه سوم مسئولیت مدنی آمریکا نیز کالای معیب را این طور توصیف می کند:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

کالا موقعی معیوب است که در زمان فروش یا توزیع یک عیب تولید را داشته باشد و یا طراحی آن معیوب باشد و یا بواسطه نقص اطلاعات و اخطار ها معیوب تلقی شود. سایر قوانین راجع به مسئولیت ناشی از عیب تولید، تعریف مشابهی را ارائه داده اند. (طباطبائی نژاد، ۱۳۹۴).

از آنجا که اولین حلقه زنجیره تولید مربوط به تولید کننده است، اوست که جهت احتراز از عیب یا نقص در کالای تولیدی خود، موظف است به بازرسی کامل کالای تولیدی بپردازد. این وظیفه شامل بازرسی و بررسی مواد خام، اجزا و قطعات کالایی که دیگری فراهم کرده و یا ساخته است، می گردد. بر اساس این تعریف کشاورز را که تهیه کننده مواد خام صرف است تولید کننده نمی‌نامند. بنابراین تولید کننده علی الاصول نمی‌تواند جاهل قاصر تلقی گردد؛ بدین معنی که او نمی‌تواند ادعا نماید که از عیب کالا آگاه نبوده است، مگر انکه عیب اصلا قابل پیش بینی نبوده باشد. اما طبق قانون، خسارتی مطالبه کردنی است که اولا:مستقیم باشد؛ ثانیا: به طور مسلم رخ داده باشد؛ ثالثا: ضرر تدارک نشده باشد؛رابعا:ضرر پیش بینی پذیر باشد. در هر حال، چنانچه تولید کننده اثبات کند که وضعیت علم و دانش و فناوری در زمان تولید کالا آنچنان نبوده است که وی بتواند عیب کالای خود را کشف کند، ضرر ناشی از آن جبران شدنی نیست؛ زیرا عمل تولید، محصول علم انسان است و نمی توان بیش از عمل انسان از عمل وی انتظار داشت. البته بین عیوبی که به دلیل علم و فنآوری زمان، قابل پیش بینی نیستند و عیوبی که اصولا قابل پیش بینی هستند (اما تولید کننده به دلیل عدم تخصص یا بی مبالاتی در کشف آن قصور کرده) فرق است که البته عیوب دسته دوم باید جبران شود (ابراهیمی، ۱۳۸۲). برای تامین جبران خساراتی این چنینی قانونگذار تمهیدهای گوناگونی اندیشیده و از جمله مهمترین آن ها:

الف) ایجاد مسئولیت تضامنی مواد ۱۴ قانون مسوولیت مدنی، تبصره ۲ از ماده اول قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی، بند ج از ماده ۱۶۵ قانون دریایی،

ب) بیمه اجباری مسوولیت: ماده ۳ قانون تامین اجتماعی، ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، بیمه دارندگان وسایل نقلیه به موجب ماده قانون ۱۳۴۷ و ۱۳۹۵ جدید

ج) تاسیس صندوق تامین خسارت: ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱). در میان موارد ذکر شده استفاده از بیمه اجباری و تاسیس صندوق تامین خسارت می تواند راه گشا باشد.

۵-۳. مسئولیت ناشی از محصولات خطرناک

مفهوم خطر با توجه به مسئله تولید کالا

تولید کننده کالای خطرناک باید زیانهای احتمالی و راه استفاده درست از کالای عرضه شده را به همه مصرف کنندگان گوشزد کند. این تکلیف را عرف برای هر تولید کننده ای می شناسد و خودداری از آن تقصیری است که به آسانی نمی‌توان از آن گذشت. بنابراین، تولید کننده مسوول جبران زیانهایی است که

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

در نتیجه تقصیر او به دیگران وارد شده است. منتها، در این مورد اصولا مسوولیت او ناشی از تسبیب ورود ضرر به دیگری است (ماده ۳۳۳ و ۳۳۴ قانون مدنی و ماده ۱ قانون مسوولیت مدنی) (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲). نظریه خطر ارائه دهنده این فکر است که هر کس در عرصه جامعه به فعالیتی بپردازد که محیط را برای دیگران خطرناک کند و جون منافع این وضع خطر آفرین به وی می رسد. سزاوار است که زیان ناشی از آن را تحمل کند اگر چه تقصیری نکرده باشد. و چون دیده اند نظریه خطر در برابر نفع، برخی از فعالیت‌های خطر آفرین مانند رانندگی برای تفریح را پوشش نمی دهد، نظریه خطر مطلق را به میدان آورده اند که مطابق آن انجام دهنده فعل در هر حال مسئول زیان ناشی از آن است اگر چه تقصیری مرتکب نشده باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳). یکی از مواردی که در تولید کالا منجر به خطرناک شدن آن می‌گردد و به نوعی محصول جدید را معیوب می گرداند تغییر در فرمول ساخت و ارتقاع آن است. که از ان به خطرات توسعه یاد می‌کنند. منظور از «خطرات توسعه»[1] این است که مسئولیت جبران زیان ناشی از فرآورده های جدید بر عهده سازندگان این محصولات می باشد. اما ظاهرا دستور العمل اروپایی، دولت ها را در این خصوص آزاد گذاشته است. دستور العمل اروپایی ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۵ یک مسئولیت محض برای سازندگان و فروشندگان در نظر گرفته است. چنانچه طبق ماده ۱ دستورالعمل، تولید کننده مسئول است و طبق ماده ۴ دستور العمل، صرف اثبات ضرر و عیب تولید و رابطه سببیت کفایت کرده و نیاز به اثبات تقصیر نمی‌باشد. دستورالعمل بحث مر بوطه را به صلاحدید و تشخیص دولت ها واگذار نموده است (یزدانیان، ۱۳۹۵: ۴).

در خصوص تضمین عیوب ناشی از کالا یعنی خسارت ناشی از استفاده از تولید محصولات کارخانه ها که شامل انواع کالاها می باشد، امروزه با مسئول شناختن صاحب کارخانه، متضرر را از اثبات تقصیر متعهد معاف می‌سازند. در ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه ۱۸ بند آورده شده و تمام مقررات مربوط به کالای معیوب در آن گنجانده شده است (تقی زاده و هاشمی، ۱۳۹۲). هرگاه شخصی متحمل صدمه یا خسارت ناشی از کالاهای معیوبی که خود خریده است شود، جبران خسارت بدیهی، اقامه کردن دعوا بخاطر نقض قرارداد می باشد. اما در بسیاری از موارد، مصرف کننده نهایی محصول، شخصی غیراز خریدار اولیه خواهد بود و بنابراین به موجب قرارداد حق هیچ جبران خسارتی را نخواهد داشت، تا قبل از قانون حمایت از مصرف کننده مصوب ۱۹۸۶ انگلستان توسل جستن به تقصیر به عنوان جریان مطالبه نهایی یعنی آخرین راه چاره بود. بخش ۱ این قانون بر دستورالعمل مسئولیت ناشی از فرآورده اروپایی اثر گذاشت و اصلاح و در بسیاری از جهات راه جبران خسارت مؤثرتری را پیشنهاد کرد. مهمترین چیز در اینجا این است که به موجب این قانون مسئولیت به شکل مطلق است، درحالیکه مسئولیت در تقصیر به اثبات تخلف وابسته است. به موجب ماده ۲، اگر صدمه یا خسارت کلا یا جزئا به وسیله یک محصول معیوب ایجاد شود، آن اشخاصی که در این قانون تعیین شدند مسئول خواهند بود. باید خاطر نشان کنیم که رابطه سببی باید بین

1. Le risqué de developpement

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

عیب و خسارت احراز شود. در خصوص اینکه چه خسارتی مشمول این قانون می شود سه نوع خسارت را در این قانون موردنظر داشته: مرگ، صدمه شخصی و خسارت وارده به اموال شخصی. مالی به عنوان مال شخصی تلقی می‌شود که: آن مال از نوعی باشد که معمولا برای استفاده، استعمال یا مصرف شخصی درنظر گرفته می‌شود؛ آن مال توسط شخصی که متحمل ضرر یا خسارت شده عمدتا برای استفاده، استعمال یا مصرف شخصی درنظر گرفته شود. این قانون برای خسارت وارده به خود محصول (یا هرگونه تولید عرضه شده ای که در آن محصول معیوب به کار رفته یا اقامه دعوا برای خسارت وارده به مال کمتر از ۲۷۵ پوند ارزش دارد اعمال نخواهد شد. در تعریف محصول معیوب به موجب ماده ۳ بیان می دارد: یک محصول درصورتی معیوب است که به طور معقولی سالم نباشد. فاکتورهای مربوطه عبارتند از: شیوه‌ای که در آن و یا هدفی که برای آن محصول خریده شده است؛ آنچه که ممکن است به طور معقولی انتظار رود که با محصول یا در رابطه با محصول انجام شود؛ هرگونه دستوراتی یا اخطارهایی درخصوص انجام یا عدم انجام کاری که نسبت به محصول یا دررابطه با محصول باشد. از این رو دستورات و یا اخطارهای مؤثر ممکن است محصول را ایمن سازد و برعکس، فقدان آنها ممکن است محصول را غیرایمن سازد. زمانی که در آن محصول توسط تولیدکننده به دیگری عرضه شده است- عامل وضعیت صنعت. زمان مربوطه به ارزیابی ایمنی یک محصول زمان عرضه آن است. بنابراین، صرف اینن حقیقت که گونه‌های سالم تر محصول بعدا تولید شده است تولید قبلی را فی نفسه غیر سالم نخواهد ساخت. به موجب ماده (۲) ۲، دعوا ممکن است اقامه شود علیه: تولیدکننده یعنی سازنده، شخصی که محصول را استخراج کرده است.

یا شخصی که در مورد آن محصول فرآیند صنعتی انجام داده است؛ هر شخصی که با گذاشتن نام خود، علامت تجاری یا دیگر علامت متمایزکننده بر روی محصول، خودش را به عنوان تولیدکننده تلقی کرده باشد؛ هر شخصی که کالا را به انگلستان وارد کرده است تا در جریان تجارت آن را به دیگری عرضه کند؛ عرضه کننده محصول در مواردی که: طرف زیان دیده از عرضه کننده تقاضا کره باشد تا هر شخصی را که در سه دسته اول است معرفی کند؛ و تقاضا در ظرف مدت زمان معقولی بعد از خسارت صورت گرفته باشد و برای شخص تقاضا کننده معرفی آن اشخاص به طور معقولی عملی نباشد؛ عرضه کننده ظرف مدت زمان معقول یا از اجابت کردن تقاضا و یا از معرفی کردن شخصی که محصول را به او عرضه کرده است، قصور ورزد. در خصوص دفاعیاتی که قابل دسترس هستند در ماده ۴ شش دفاع ممکن را مقرر می دارد: عیب مطابق با مقررات قانونی و مقررات اتحادیه اروپا قابل انتساب باشد؛ شخصی که علیه او اقامه دعوا شده هیچ وقت محصول را به دیگری عرضه نکرده باشد؛عرضه آن تنها در جریان تجارت عرضه کننده یا به قصد کسب سود انجام نشده باشد؛عیب در زمانی که خوانده آن را به دیگری عرضه می کند وجود نداشته باشد؛ وضعیت تحقیقات علمی و تکنولوژی در زمان مربوطه چنان پیشرفته نباشد که از تولید کننده بتوان انتظار داشت تا عیب را کشف کند (دفاع خطرات توسعه) عیب، یک عیب در محصول جدید باشد که در

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

آن محصول مورد بحث (یعنی، جزء تشکیل دهنده) از آن تشکیل شده باشد و کاملا قابل انتساب به طرح محصول جدید یا مطابق با دستورات صادره از طرف تولید کننده محصول جدید باشد (**Hant، 2000**).
ارائه تعریفی دقیق از کالای معیوب و خطرناک، دشوار است چه آنکه خطرناکی هر کالایی را می یابد با توجه به ماهیت و ویژگی های خاص آن کالا مشخص نمود. زمانی که عیب و خطر یک کالا، از سطح انتظار مصرف کننده متعارف فراتر باشد و وی نتواند از آن مقدار نقص و خطر پیش بینی کند، می گویند آن کالا معیوب و خطرناک است. گاهی اوقات ممکن است نحوه ی استعمال آن کالا دقیق و مشکل و خطرناک باشد و از طرفی هشدار و راهنمایی کافی و مقتضی را به همراه نداشته باشد، در این صورت نیز آن کالا معیوب و خطرناک تلقی می گردد.
از دیدگاهی دیگر ممکن است در مواردی کاربرد کالایی در بعضی موارد خطرناک باشد اما معیوب تلقی نگردد. به عبارت دیگر، هرگاه زایل کردن خطر کالا منجر به از کار انداختن و بی فایده ساختن کالا گردد، چنین خطری عیب محسوب نمی گردد و مسئولیتی از آن جهت متوجه فروشنده یا تولیدکننده نیست. برخی از کالاها نیز بنابر وضع علمی امروز بشر خطرشان اجتناب ناپذیر است، لیکن این کالاها را نمی توان خطرناک و معیوب دانست. بالاخص اگر ارزش اجتماعی آن کالاها برای بشر بااهمیت تر از خط آنها باشد و بنابراین نمی توان مسئولیتی برعهده تولیدکننده این کالا تحمیل کرد، همانند داروی پنی سیلین که بی شک عوارض جانبی نیز دارد اما نفع آن بیش از ضررهای آن است و چاره ای برای جبران آن زیان‌ها نیست. در یک تعریف، شیئ خطرناک، چیزی دانسته شده که طبیعت آن بدون تردید اقتضای به مخاطره انداختن زندگی و تمامیت جسمانی کسی را داشته باشد. پس با عنایت به آنچه که ذکر گردید، اولا مفهوم عیب مفهومی نسبی است و در هر زمان و مکان نسبت به اختلاف اشیاء و موارد استعمال آنها و نوع معاملات انجام شده بر سر کالا، رنگ و چهره ی متفاوتی دارد. ثانیا: دو واژه ایمنی و خطر واژه هایی هستند که مشکل می توان معیاری کلی برای ایمن یا خطرناک بودن کالا استنباط کرد، لذا با تأسیس نهاد استاندارد، تا حد زیادی از اهمیت بحث کاسته شده و هر کالایی با استانداردهای ارائه شده از سوی مؤسسه استاندارد منطبق نباشد خطرناک تلقی می شود و این به آن معنی نیست که استفاده از هر کالایی که به تأیید مؤسسه ی استاندارد رسیده به هر نحو ولو به صورت نادرست، بی خطر است و یا اینکه مهر استاندارد بر روی محصول ذاتا خطرناک، ذات خطرناک آنها را تغییر داده و به کالایی ایمن و بی خطر تبدیل نماید. نکته سومی که درخصوص استاندارد کالاها، باید مدنظر قرار بگیرد این است که هر کالایی باید با استانداردهای زمان و مکان ساخت آن سنجیده شود (بزرگمهر، ۱۳۸۴).
تولید کننده کالای خطرناک باید زیانهای احتمالی و راه استفاده درست از کالای عرضه شده را به همه مصرف کنندگان گوشزد کند. این تکلیف را عرف برای هر تولید کننده ای می شناسد و خودداری از آن تقصیری است که به آسانی نمی توان از آن گذشت. بنابراین، تولید کننده مسوول جبران زیانهایی است که در نتیجه تقصیر او به دیگران وارد شده است. منتها، در این مورد اصولا مسوولیت او ناشی از تسبیب ورود

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

ضرر به دیگری است (ماده ۳۳۳ و ۳۳۴ قانون مدنی و ماده ۱ قانون مسوولیت مدنی) (کاتوزیان، ۱۳۹۳:۲). مسوولیت کسی که از اعتماد خریداران استفاده نامشروع کند و کالای معیب و خطرناکی را به جای فرآورده سالم و بی خطر در اختیارشان گذار تنها حقوق فردی خریدار را پایمال نمی کند؛ اعتماد عمومی متزلزل می گردد و دست سرمایه داران در استثمار نابجای مردم باز می ماند. ایجاد کیفرهای سنگین برای تقلب در مورد مواد دارویی و غذایی نمی تواند رابطه بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان را منظم سازد، زیرا عیبی که در این گونه کالا ها دیده می شود به طور معمول نتیجه تقلب فروشنده یا تولید کننده نیست و گاه خطای مسلمی را نیز نمی توان به او نسبت داد. از این گذشته، اثبات تقصیر تولید کننده همیشه ساده نیست. در یک سوی دادرسی یک مدعی علی با همه امکانات فنی و مالی لازم و در سوی دیگر، زیاندیده‌ای که مدعی است و باید تقصیری را به عهده طرف زورمند خود بگذارد. در چنین دعوایی احتمال اثبات تقصیر چنان ناچیز است که اگر رویه قضایی به یاری مدعی نیاید، می توان گفت به طور معمول زیان دیده ناکام می ماند. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲).

دکتر کاتوزیان معتقد است به هر تمهید که باشد باید از حقوق مصرف کننده حمایت کرد و پایه مسوولیت را بر تضمین حق او استوارتر ساخت. وجدان حقوقی نیز رو به همین سو است. مدتها است که درباره حمایت از مصرف کننده و تدوین قواعد حاکم بر مسئولیت تولید کننده سخن گفته می شود و طر حهایی هم تهیه شده که هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است. ماده ۴ قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد مصوب ۱۳۷۱ مقرر می‌دارد: «موسسه موظف است نسبت به تعیین کیفیت و ویژگیهای کالاهای ساخت داخل و وارداتی که از نظر ایمنی و بهداشت عمومی حائز اهمیت می باشند اقدام و نتایج داخل و وارداتی که از نظر ایمنی و بهداشت عمومی حائز اهمیت می باشند اقدام و نتایج حاصل را جهت اطلاع عموم و مراجع ذیربط اعلام نماید» بعضی مولفان چنین نتیجه گرفته اند که باید موسسه را مسئول شمرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲). برداشت دیگری که از این قانون می شود این است که نداشتن مهر استاندارد و عدم تایید کالا توسط موسسه استاندارد را می توان اماره بر معیب بودن کالا دانست. لایحه حمایت ازحقوق مصرف کنندگان در ۳۷ ماده که کلیات ان در تاریخ ۸۴/۳/۳۱ به تصویر رسیده است. در این لایحه، مسولیت محض تولید و عرضه کننده کالا وخدمات در برابر مصرف کننده پذیرفته شده است. زیرا، ماده ۲۲ آن می‌خوانیم: «در دعوای مطالبه خسارت مصرف کننده زیان دیده باید ثابت کند که به او زیان وارد شده و زیان ناشی از عیب کالا یا خدمت بوده است. » در این ماده که در مقام بیان ارکان دعوای مسوولیت است، سخنی از تقصیر تولید کننده نیست و تکیه بر عیب کالا و رابطه آن با زیان است. (کاتوزیان، ۱۳۹۳:۲). در آخرین تحول قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان (مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ مجلس شورای اسلامی) فصل اول- ماده یک در تعریف عیب بیان می دارد:منظور از عیب در این قانون زیاده، نقیصه یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا یا خدمات گردد. در معامله معوض (مانند بیع)، کالا به اعتبار مالیت خود موضوع داد و ستد قرار می‌گیرد پس، هر چه از ارزش بکاهد عیب است و هر وصف که

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

ارزشی آورد کمال. عیب در این مقام را نباید با عیب طبیعی اشتباه کرد، چرا که مطلوب رسیدن به ارزش بیشتر است. معیار سلامت نیز عرف سوداگران است. عادت بازاریان معین می‌کند که کدام نقص از ارزش می‌کاهد و «عیب» به حساب می آید. هر کالا فایده و مصرفی دارد که به منظور استفاده از آن مورد معامله قرار می گیرد.

نقصی که آن فایده مطلوب را از بین ببرد یا از آن چندان بکاهد که، اگر خریدار آگاه می شد، از معامله صرفنظر می کرد یا بهایی کمتر می پرداخت، عیب است. در این تعریف که ماده ۱۶۴۱ قانون مدنی فرانسه برگزیده است مصرف و فایده کالا معیار سلامت آن است و هر چه از فایده مطلوب بکاهد عیب. اگر میزان مصرف و فایده کالا در نظر باشد نه آنچه دو طرف به طور استثنایی انتظار دارند، این معیار با مالیت متوسط کالا به هم نزدیک می شود، زیرا بهای هر کالا به میزان منافع و مصرف آن بستگی دارد و هر نقص که استفاده کالا را کاهش دهد از بهای آن نیز می کاهد. ولی، اگر معیار مصرفی باشد که خریدار برای کالا در نظر گرفته است (یا در قرارداد پیش بینی شده)، خیار عیب با خیار تخلف از شرط ضمنی و وصف مخلوط می‌شود و حتی با تخلف عقد ازدعاوی خاص خریدار در می آمیزد. بنظر دکتر کاتوزیان اگر در تعریف عیب گفته شود: «نقصی است که از ارزش کالا یا انتفاع متعارف آن بکاهد » به همه موارد عیب دست یافته‌ایم. در این تعریف، نقص در ارزش یا انتفاع مطلوب نشانه وجود عیب و عرف داور تمیز دهنده آن است. ولی تمیز وجود عیب، در عین حال که ما را به شناسایی ماهیت آن نزدیک می کند نشان نمی دهد که در کالا چه رخ داده است که ارزش و فایده آن در دید عرف کاسته شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۲ الف). تعریفی که دکتر کاتوزیان از عیب ارائه داده اند را با اندکی تغییر می توان بدین شکل در مسئولیت مدنی بیان نمود: نقصی است که از ارزش کالا یا انتفاع متعارف آن بکاهد و منجر به ایجاد خسارت به دیگری گردد بطوریکه این نقص در رابطه قراردادی پنهان و یا قابل تشخیص نبوده و بدان تصریح نشده باشد و خارج از رابطه قراردی ایجاد گردد. بنابراین در مسئولیت مدنی شرط تحقق ضرر ناشی از کالای ناسالم ضروری بنظر می رسد. اثبات ورود ضرر به زیان دیده و همچنین ارتکاب تقصیر یا وقوع فعلی از طرف خوانده یا کسانی که مسوولیت اعمال آنان با اوست، به تنهایی دعوای خسارت را توجیه نمی‌کند. باید احراز شود که بین دو عامل ضرر و فعل زیانبار رابطه سببیت وجود دارد:یعنی ضرر از آن فعل ناشی شده است. فرض کنیم عمارتی خراب می شود و به جان و مال جمعی آسیب می رساند. ظاهر این است که خرابی در نتیجه عیب فنی به وجود آمده است و معمار و مهندس آن در این راه بی احتیاطی کرده اند. بنابراین، کافی است که مالک خراب شدن ساختمان و زیان های ناشی از آن را ثابت کند. ولی، اگر معمار یا مهندس مدعی باشد که عامل خارجی در این خرابی دخالت داشته است و حادثه را نمی توان مربوط به کار او کرد، باید وجود این عامل را اثبات کند (کاتوزیان، ۱۳۹۲ب).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

٥-٤- عیب در طراحی کالا

اگر به دقت در روند تولید یک کالا از ابتدا تا انتهای آن نظر بیفکنیم ؛ شاید بتوان گفت که اولین مرحله درتولید هرکالا، مرحله طراحی آن کالا می باشد. برای مثال، آنتی بیوتیکی را درنظر بگیرید که داروسازی می خواهد آن را بسازد. اولین کاری که سازنده این آنتی بیوتیک بدان مبادرت می ورزد، این است که ببیند داروی مزبور دراثر ترکیب چه عناصری به دست می آید و بعد از به دست آوردن ترکیب مزبور مبادرت به تولید داروی مزبور می نماید. حال، امکان دارد که سازنده در استفاده و استعمال ترکیب مزبور مرتکب خطا و لغزش گردد، در چنین صورتی، مسلماً داروی مزبور برای اهداف مورد نظر متناسب نخواهد بود و چه بسا که استعمال آن موجب ورود خسارت و صدمه جسمانی به مصرف کننده نیز بشود. بنابراین، در صورتی که کالا در مرحله طراحی آن به صورت معیوب طراحی گردد، این نوع عیب درواقع عیب در طراحی کالا می باشد. طراحی معیوب کالا می تواند در تمامی کالاها مصداق داشته باشد. برای مثال، ممکن است که طراحی یک اتومبیل بشکلی باشد که به هنگام رانندگی با سرعت زیاد، ترمزهای آن کارنکند و یا سازنده کشتی به علت استعمال غلط مواد به کار گرفته شده در بدنه کشتی باعث گردد که کشتی در آب فرو رود و یا سازنده اتوی برقی آن را بشکلی طراحی کرده باشد که برق را به بدنه خود انتقال دهد و موجب برق گرفتگی گردد (نوری، ۱۳۹۶).

٦-دستورالعمل عام ایمنی کالای تولیدی (در اتحادیه اروپا)

دستورالعمل عام ایمنی کالای تولیدی در تاریخ ۲۶ ژوئن سال ۱۹۹۴ میلادی در اتحادیه اروپا لازم الاجرا ء شد، بر اساس آن کشورهای عضو متعهد شدند تنها کالائی را به بازار عرضه کنند که شروط ضمنی و سلامت را ایفاء کنند. این دستورالعمل نسبت به همه کالاها اعمال می شود، مگراینکه دستورالعمل خاصی برای کالای معینی وضع شود، معرض استفاده یا بهره برداری از آن است بدهد. این دستورالعمل همچون دستورالعمل راجع به ایمنی ماشین آلات، به صراحت تولید کنندگان را مکلف به ارائه دفترچه راهنمای و هشدارهای لازم در استفاده از کالا می کند. ماده ۳ دستورالعمل مزبور در جهت حصول اطمینان از عرضه کالای سالم و ایمنی به بازار مصرف، از همه کشورهای عضو می خواهدکه پیوسته ارزیابی صحیحی از نحوه تعامل با کالا، فرآیند تولید آن، بسته بندی، انبارداری، حمل و نقل، نصب و استفاده و یا در معرض عموم قراردادن آن داشته باشند. براساس پیوست ۲ دستورالعمل مزبور، چنانچه کشورهای عضو از وجود کالائی که ریسک بالائی را برای مصرف کننده ایجاد می کند مطلع شوند، مقامات آن کشورها بایستی اولاً- همه اقدامات لازم را از طریق از مطبوعات یا صدا و سیما جهت ارائه هشدارهای لازم به مردم اتخاذ کنند، ثانیاً – همه هشدارهای لازم را به تولید کننده کالای نامرغوب مزبور جهت اتخاذ تدابیر مناسب برای توقف، اصلاح و جبران خسارت به مصرف کننده ارائه کند.

بر طبق مواد ۴و۵ دستورالعمل مزبور تولید کننده کالا متعهد است:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

اولاً: هشدارهای لازم را به مصرف کننده در خصوص انجام بازرسی های منظم دوره ای و تعمیر و نگهداری ضروری، و نحوه مواجهه با قسمت های خطرآفرین ارائه دهد؛

ثانیاً: تمامی نقشه ها و دیاگرام‌های ضروری برای سوارکردن قطعات کالا و نحوه نگهداری و بازرسی و حفاظت از ایمنی کالا را دراختیارمصرف کننده بگذارد؛

ثالثاً: هشدارهای ارائه شده بایستی متعارف، منطقی بوده، تمام اطلاعات راجع به استفاده از کالا را ابلاغ کرده، و تمامی مراحل استفاده از کالا، مصرف و در معرض قراردادن آن در دست اشخاص ثالث رانیز شامل گردد، درهرحال، اطلاعات داده نبایستی به هیچ وجه با استفاده سالم و ایمن از کالا درتناقض باشد (نوری، ۱۳۹۶).

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله به روش توصیفی –تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه ای و منابع اینترنتی مورد بررسی قرار می‌گیرد و با پژوهش های صورت گرفته در این زمینه که صرفا بصورت پراکنده مطالبی را بیان داشته اند، متمایز بوده و با رویکردی تحلیلی و با استفاده از تعاریف فقها و نظرات دکترین حقوقی، ضمن بهرگیری ازدستورالعمل ها و توصیفات بکار رفته در قوانین و دستور العمل های کشورهای غربی، توصیفی جامع از این مفهوم حقوقی را تبیین می نماید. قانونگذار ایرانی در قانون مدنی تعریف مشخصی از عیب ارائه ننموده و تنها به بیان شرایط، آثار و ضابطه احراز آن در روابط قرار دادی اشاره نموده است. عیب در مسئولیت مدنی: اعم از (نقص، آسیب، صدمه، کیفیت نامناسب) است که امکان استفاده متعارف از آن در دید عقل و عرف خاص آن محصول نباشد و همچنین می تواند قبل یا بعد از مرحله طراحی، تولید یا حمل محصول، در اثر نقض تکالیف قانونی و عرفی صنفی بوجود آمده باشد؛ اثر آن یعنی (ایجاد ضرر) خارج از اراده و ترازی طرفین بوده ؛ ضابطه احراز ضرر ناشی از عیب محصول، عرف خاص متعارف درتولید و استفاده آن محصول می باشد. کیفیت نامناسب را می توان با نظریه تعهد به ایمنی توجیه نمود چرا که تولید کننده براساس این نظریه، تعهد به تولید کالای سالم و ایمن دارد واگر کالا فاقد سلامت و ایمنی متعارف باشد معیوب تلقی می شود. میان عیوبی که به دلیل علم و فنآوری زمان تولید، قابل پیش بینی نیستند و عیوبی که اصولا قابل پیش بینی هستند (اما تولید کننده به دلیل عدم تخصص یا بی مبالاتی در کشف آن قصور کرده) فرق است، که البته عیوب دسته دوم باید جبران شود، برای تامین جبران خساراتی این چنینی، قانونگذار تمهیدهای گوناگونی اندیشیده که در این میان استفاده از بیمه اجباری و تاسیس صندوق تامین خسارت کارسازتر است. تولیدکنندگانی که محصولات خود را با توجه به علم روز تولید می‌کنند اگر پس از مدتی مشخص می‌شود که این کالا دارای معایب و خطراتی بوده که در زمان تولید ناشناخته بوده و با پیشرفت علم و سال‌ها بعد مشخص شود که این کالا منشأ بسیاری از خطرها و خسارات بوده است (چه بسا به علت نشناختن مشکلات، معایب و ناهنجاری کالا، درزمان وقوع حادثه حتی رابطه سببیت بین تولید این کالا و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

وقوع خسارت نیز احراز نشده است). چنان‌چه پس از آن با پیشرفت علم ناهنجاری و عیب کالا مشخص شود، عرف خسارت وارده را به روشنی به کالا و تولیدکننده آن منتسب می‌کند. در این مورد نظام حقوقی همچون نظام حقوقی ایران که علی‌الخصوص مسئولیت را صرف احراز رابطه سببیت میان فعل مشخص و خسارت قابل جبران به رسمیت می‌شناسد، حکم به مسئولیت تولیدکننده خواهد داد (مگر آنکه بنابر ملاحظاتی مسئولیت را خلاف اصل رد کند). ولی در نظامی که علی‌الخصوص تقصیر را مبنا و شرط مسئولیت لحاظ می‌کند مسئولیت مدنی مسبب حادثه را منتفی می‌داند. در خصوص نداشتن مهر استاندارد می‌توان گفت، اماره بر معیوب بودن کالاست نه دلیل و ضابطه تشخیص عیب. اصولا در تولید و ساخت هر فرآورده ای باید ضوابط کمی و کیفی و استانداردهای متعارف ساخت آن رعایت شده باشد و این امر نه تنها بصورت شرط ضمنی در روابط فروشنده و خریدار مورد لحاظ واقع می شود بلکه بصورت یک تکلیف عام حرفه ای برای عرضه کنندگان کالا تلقی می شود که عدم رعایت آن، تقصیر نوعی (در مفهوم اجتماعی آن) محسوب و مبنای مسئولیت عرضه کنندگان است. عیب و نقص فرآورده ها که منجر به وقوع حادثه و ضرر و زیان می‌شود اصولا به دلیل عدم رعایت استانداردهای قانونی یا متعارف در تولید است؛ تولید کنندگان باید در چرخه تولید محصولات خود بویژه در مورد کالاهایی که با سلامت افراد مرتبط‌اند، این استانداردها را رعایت نمایند وگرنه وجود عیبی که منجر به ضرر و زیان مصرف کننده می شود دلالت بر تقصیر نوعی او دارد و موجب مسئولیت مدنی اوست و اگر تولید کننده از عیب فرآورده خود آگاه باشد، تقصیر شخصی و موجب مسئولیت کیفری اوست .در مورد ماهیت عیب نیز، نداشتن وصف سلامت و عدم امکان انتفاع کامل در صنف تولید و مصرف آن محصول (عرف خاص) می‌باشد، همچنین عیب دارای مفهومی نسبی است، بطوریکه برداشت از عیب به لحاظ شرایط زمانی و مکانی می تواند متفاوت باشد. براساس اصل جبران کلیه خسارات در صورتی که عیب منجر به ضرر شده باشد اعم از مادی (عین و منفعت)، جسمی و معنوی باید آن را جبران نمود. عیب به لحاظ معنایی با مفهوم و شرایط آن در مسئولیت قرار دادی تفاوتهایی دارد. در مورد مسئولیت قراردادی که چه زمانی بوجود می آید می‌توان گفت: نقض تعهد ناشی از تکالیف قراردادی یعنی همان تعهد صریح یا ضمنی مبنی بر تحویل محصول سالم و بدون عیب از دید عرف مطابق ماده ۴۲۹ ق. م می باشد.

در صورت عدم امکان استفاده متعارف از محصول تنها امکان فسخ یا مبلغ معینی تحت عنوان ارش که همان تفاوت قیمت بین سالم و معیوب و یا قبول محصول معیوب وجود دارد البته به شرطی که عیب مخفی و موجود باشد. همچنین امکان تبری از عیوب در مسئولیت قراردادی بر خلاف مسئولیت مدنی وجود دارد. در مسئولیت قرار دادی شرط تحقق ضرر برخلاف مسئولیت مدنی وجود ندارد. در مسئولیتهای قراردادی صرف وجود عیب و تشخیص آن بوسیله عرف برای مسئولیت کافیست؛ در حالیکه عیب و ضرر ناشی از آن هردو باید بوسیله عرف احراز گردند. با توجه به عرفی بودن ارکان مسئولیت مدنی و حاکم بودن عرف نسبت به قانون در آن، می توان عیب را نیز به عنوان سبب ایجاد ضرر و همچنین اثر فعل زیانبار یا تقصیر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

دارای مفهومی عرفی دانست و یک معیار نوعی برای تشخیص و اثبات عیب در مسئولیت مدنی قایل گردید. البته باید میان معیار تشخیص عیب در مواردی تمایز قایل گردید، بدین شکل که برای تشخیص عیب در شرایطی که کالایی با توجه به علم روز تولید، و با پیشرفت علم و گذر زمان عیوب آن مشخص می گردد معیار مختلط (نوعی- شخصی) لحاظ نمود.

در خصوص اتلاف و عیب یک رابطه علت و معلولی میان آن دو وجود دارد ؛ بدین صورت که در بعضی موارد اتلاف یک کالا می تواند به شکل معیب شدن آن تحقق پیدا نماید و بالعکس ؛که البته در مسئولیت مدنی عیوبی که منجر به تلف می گردد مد نظر قرار دارد. تلف می تواند به سه شکل نمود پیدا کند، گاهی به شکل از بین رفتن کامل و نابودی موجودیت کالا ، قسمت جزیی از آن آسیب ببیند اصطلاحا ناقص شود، از دست رفتن کامل یا کاهش قابلت انتفاع آن یعنی عیب.

نظریه خطر با اتلاف در قانون مدنی تناسب بیشتری دارد چرا که براساس این نظریه صرف ایجاد ضرر ناشی از عیب و اثبات رابطه استنادی آن برای احراز مسئولیت کافیست و نیاز به اثبات تقصیر وجود ندارد. چاره ای جز پذیرش این نظریه در مورد محصولات تولیدی ذاتا خطرناک وجود ندارد و پذیرش این نظریه برای حفظ حقوق زیان دیدگان در نظام حقوقی ایران ضروری بنظر می رسد. در تسبیب نیز نظریه تقصیر پذیرفته شده که در بسیاری از موارد اثبات عیب و ضرر حاصله خصوصا در مواردی که اسباب متعدد وجود دارد، مشکلات و پیچیدگی های اثبات تقصیر تولیدکنندگان بزرگ خصوصا تولید کنندگان کالا های خارجی را در پی دارد. لذا برای رفع این چالش در میان نظریات مطرح شده، نظریه تضمین حق در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از عیوب کالا هایی که ذاتا خطر ناک نیستند با توجه به شرایط نظام حقوقی ایران تناسب بیشتری دارد؛ چرا که گسترش مراودات اجتماعی و و پیچیدگی کالاهای تولیدی، بسیاری از قصور و خطاها، خصوصا در عرصه تولید و صنعت را اجتناب ناپذیر نموده است، لذا الزام پوشش بیمه ای برای تولید کنندگان و تاسیس صندوق تامین خسارت مالی و بدنی توسط دولت برای کالاهای تولیدی ذاتا خطرناک و معیوب، همچون صندوقی که در ماده ۱۰ قانون بیمه مصوب۱۳۴۷، مواد ۲۱، ۲۴ قانون بیمه جدید (۱۳۹۵) پیش بینی شده، می تواند راه گشا باشد.

در مسئولیت قراردادی، عیب کالا یک نوع نقض تعهد است که در زمان فروش آن کالا یک تعهد صریح یا ضمنی به تحویل کالای سالم وجود دارد که نقض این تعهد منجر به مسئولیت طرفین قرار داد می‌گردد، بدین معنا که اگر کالای مورد معامله معیوب باشد و یا بواسطه معیب بودن آن خسارتی به بار آید امکان فسخ مورد معامله و گرفتن ارش وجود دارد، در حالیکه در مسئولیت مدنی، عیب سبب ایجاد ضرر و تحقق مسئولیتی است که ناشی از فعل زیانبار یا تقصیر فاعل انست که خواسته یا ناخواسته در زمان طراحی و تولید کالا در آن عارض شده یا در اثر عدم آگاهی کافی یا استفاده ناصحیح از آن کالا یا محصول، منجر به ایجاد خسارت گشته ؛عیب در مسئولیت قراردادی از جنس نقض تعهد و در مسئولیت مدنی سبب ورود خسارت، خارج از رابطه قراردادی می باشد که در ذات محصول ایجاد گردیده است و تنها راه جبران آن

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

پرداخت خسارت است، اما در مسئولیت قراردادی بشکل فسخ و تفاوت قیمت پرداخت می گردد. اثبات آن در مسئولیت قرادادی مستند به مفاد صریح گنجانده شده در قرارداد یا تعهد ضمنی مبنی بر تحویل و فروش کالای مورد نظر است، در حالیکه در مسئولیت مدنی برای اثبات دعوای جبران خسارت صرف اثبات رابطه استنادی عرفی ضرر با عیب کالای تولیدی که محصول تقصیر فاعل آن در طراحی، تولید، عدم رعایت استاندارد و نظامات شغلی، نگهداری و نحوه مصرف آنست، کافی بنظر می رسد. بطور خلاصه عیب در سه مرحله آفرینش، نگهداری و مصرف می تواند مسئولیت زا باشد. در مرحله اول، آفریننده؛ در مرحله دوم، نگهدارنده که شامل تولید کننده، حمل کننده و عرضه کننده کالا است و در مرحله سوم، مصرف کننده‌ای که طبق الگوی مصرف از کالا استفاده ننموده است و دقت و مراقبت لازم را بعمل نیاورده است یا استفاده متعارف ننموده که منجر به ایجاد خسارت به محیط و دیگران شده است. در پایان با توجه به مطالب عنوان شده در این پژوهش توصیه می شود با توجه به گسترش و و پیچیدگی های دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از عیب و همچنین هدف مسئولیت مدنی که جبران همه ضرر و زیانهای بوجود آمده است، نهاد قانونگذاری، تعریف جامع و مشخصی از عیب در قانون مدنی در غالب یک ماده قانونی ارائه نماید، همچنین در انجام این مهم از قواعد فقهی و نمونه های نوین توصیفی این مفهوم در سایر نظامهای حقوقی، قواعد بین المللی و دستورالعمل های اتحادیه اروپا بعنوان الگویی برای شناخت و توصیف کاراتر استفاده بنماید.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ ابراهیمی، نصر الله. (۱۳۸۲). تحلیل حقوقی از مسئولیت در قبال ارائه کالای معیوب و حمایت از مصرف کنندگان، نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی سخن سمت. ، (۱۱). ۷۴-۵۱

ـ امامی، حسن. (۱۳۹۳). حقوق مدنی (جلد اول). تهران: کتابفروشی اسلامیه.

ـ بابایی، ایرج. (۱۳۹۴). حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

ـ بادینی، حسن. (۱۳۹۲). فلسفه مسئولیت مدنی (چاپ دوم). تهران: شرکت سهامی انتشار.

ـ بزرگمهر، داوود. (۱۳۸۴). مسئولیت مدنی تولید کنندگان کالا. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران.

ـ بنی فیض، غلام و اسدی، تقی. (۱۳۹۴). مفهوم حقوقی مصرف کننده و تأمین کننده کالا و خدمات در حقوق ایران و مقررات اروپایی. فصلنامه علمی پژوهشی الهیات و علوم انسانی دانشگاه پیام نور، ۴ (۱). صص ۶۸-۷۸ .

ـ تقی زاده، ابراهیم و هاشمی، سید احمد علی. (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی (ضمان قهری). تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

ـ توکلی، مهدی. (۱۳۹۶). مختصر حقوق مدنی. تهران: انتشارات چتر دانش.

ـ جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۰). ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.

ـ حلی ، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن. (۱۴۰۹ ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام (جلد دوم). تهران: انتشارات استقلال.

ـ حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف. (۱۳۸۷ ه. ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد[نسخه خطی جلد اول). چاپ اول. قم: موسسه اسماعیلیان

ـ حیاتی، علی عباس. (۱۳۹۲). حقوق مدنی (۴)مسئولیت مدنی. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

ـ زارعی سبزواری، عباسعلی. (۱۴۳۰ ه. ق). کفایه الاصول (جلد اول). قم: موسسه النشر الاسلامی

ـ شهیدی، مهدی. (۱۳۸۹). مدنی ۶ عقود معین (چاپ دوازدهم). تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد

ـ صالحی، جواد. و ابراهیمی، یوسف. (۱۳۹۱). مبانی و قلمرو تعهد به ارائه اطلاعات به مصرف کننده کالا. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حقوق مدنی، ۱(۱)، ۷۴-۶۱.

ـ صفایی، سید حسین. (۱۳۹۲). حقوق مدنی قواعد عمومی قرار دادها (جلد دوم)، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

ـ صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب الله. (۱۳۹۳). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرار داد) (چاپ هفتم). تهران: سمت.

ـ طباطبائی نژاد، سید محمد. (۱۳۹۴). ویژگی‌های نظام مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا در نظام تعارض قوانین و گزینش قانون حاکم. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۳(۱۱)، ۱۲۰-۱۰۱.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

ـ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲ الف). دوره مقدماتی حقوق مدنی اعمال حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
ـ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲ ب). دوره مقدماتی حقوق مدنی وقایع حقوقی مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
ـ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲ ج). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی (چاپ سی و هفتم). تهران: نشر میزان.
ـ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۳ الف). الزام های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی (جلد اول). تهران: دانشگاه تهران.
ـ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۳ الف). الزام های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی. (جلد دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
ـ محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۸). قواعد فقه (بخش مدنی) (چاپ بیست و دوم). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
ـ مرادی، امیر. (۱۳۹۲). مسائل فقه مدنی تحریر الوسیله. (چاپ دوم). (جلد اول). تهران: موسسه دور اندیشان.
ـ فلاح خاریکی، مهدی. (۱۳۹۶). حقوق مدنی (جلد اول). تهران: دور اندیشان.
ـ نوری، علی. (۱۳۹۶). مفهوم عیب در مسئولیت مدنی (چاپ او ل). تهران: بوعلی.
ـ یزدانیان، علیرضا. (۱۳۹۵). حقوق مدنی حقوق تعهدات (قواعد عمومی مسئولیت مدنی). (جلد چهارم). تهران: بنیاد حقوقی میزان.

__ Hant ،M. (2000) .A level and as level law .Landon :Sweet & Maxwell Study Guide.
__ Prosser, W. (1964). Law of torts. (3th ed.). minisota: west publishing co.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]